

# Training in Didactic Literature with Emphasis on Qaboos Nameh and Looking at the Future on the Horizon of Iranian-Islamic Culture

Hassan Reza Rafiei (Ph. D)<sup>1</sup>

## Abstract

The present study is one of the qualitative researches which the method of collecting its findings is the documentary type and referring to the sources, and the method of analyzing the findings is also of the qualitative content type. This research includes the study of the content of eleven short and long surviving texts from the Didactic Literature of ancient Iran and some examples of Didactic Literature after Islam, especially the text of Qaboos Nameh, the last work of which has been studied with more accuracy and depth. The forty-four chapters of this book were examined in eight dimensions: religiosity and spiritual ethics, education, art education, exploitation of the world, cleanliness and rest, enmity, conduct of court and social decorum. Then, for each of these dimensions, components and examples were extracted from the text of the book and organized and presented in nine tables. As a result, 8 dimensions, 43 components, 328 branches and 333 instances were obtained. Analysis of the findings based on the obtained dimensions, components and indicators led to the conceptual model of the research. Looking at the research findings that are consistent with human nature, It is trans-temporal and trans-spatial. If we take a phenomenological look at the future on the horizon of Iranian-Islamic culture in the second step statement, we will find that a large part of Qaboos Nameh Didactic Literature can be used for present and future generations. The past is the expected new Islamic civilization.

**Keywords:** *Training, Didactics, Didactic Literature, Culture, Qaboos Nameh.*

---

1. Associate Professor and Faculty Member, Amin University of Law Enforcement Sciences, hrr1340@chmail.ir

## تربیت در ادبیات تعلیمی با تأکید بر قابوسنامه و با نگاه به افق آینده فرهنگ ایرانی - اسلامی

دکتر حسن رضا رفیعی

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۲/۰۵

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۶/۳۰

### چکیده

تحقیق حاضر از زمره تحقیقات کیفی است که روش گردآوری یافته‌ها در آن، از نوع اسنادی و مراجعه به منابع، و شیوه تجزیه و تحلیل یافته‌ها نیز از نوع محتوای کیفی است. این پژوهش، شامل بررسی محتوای بازده متن کوتاه و بلند بازمانده از ادبیات تعلیمی ایران باستان و چند نمونه ادبیات تعلیمی بعد از اسلام، به ویژه متن قابوسنامه است که اثر آخر با دقت و تعمیق بیشتر مورد واکاوی قرار گرفته است. باب‌های چهل و چهارگانه این کتاب در هشت بعد: دینداری و اخلاق معنوی، دانش‌اندوزی، هنرپروری، بهره‌بری از دنیا، پاکیزگی و استراحت، دشمنی کردن، سلوک درباری و ادب اجتماعی مورد بررسی قرار گرفت. آن‌گاه برای هر یک از این ابعاد، مؤلفه‌ها و مصادیقی از متن کتاب استخراج و در جداول نه‌گانه سازماندهی و ارائه شد. در نتیجه، ۸ بعد، ۴۳ مؤلفه، ۳۲۸ شاخه و ۳۳۳ مصداق به دست آمد. تحلیل یافته‌ها براساس ابعاد، مؤلفه‌ها و شاخص‌های به دست آمده، به ترسیم مدل مفهومی پژوهش منجر شد. با نگاهی به یافته‌های پژوهش که منطبق با فطرت و طبیعت انسانی، فرازمانی و فرامکانی است، چنانچه به افق آینده فرهنگ ایرانی - اسلامی در بیانیه گام دوم نگاهی پدیدارشناسانه داشته باشیم، درمی‌یابیم که بخش اعظمی از ادبیات تعلیمی قابوسنامه برای نسل حاضر و نسل‌های آینده قابل بهره‌برداری است و سرپلی مناسب برای انتقال فرهنگ ملی و دینی گذشته به تمدن نوین اسلامی مورد انتظار به شمار می‌آید.

**کلیدواژه‌ها:** تربیت، تعلیم، ادبیات تعلیمی، فرهنگ، قابوسنامه.

## مقدمه

واژه تربیت را به معانی پروردن، پروراندن، آداب اخلاقی را به کسی آموختن و پروردن کودک تا هنگام بالغ شدن به کار برده‌اند (دهخدا، ۱۳۷۲: ج ۴، ۵۷۷۶؛ معین ۱۳۶۴: ج ۱، ۱۰۶۳). این واژه را برگرفته از دو ریشه ربو به معنی رشد و نمو و ربب به معنی تربیت معنوی و کمال روحانی می‌دانند (راغب، ۱۴۱۲ق: ۳۴۰؛ مصباح یزدی، ۱۳۹۱: ۲۶؛ سیدنژاد، ۱۳۹۶: ۱۳-۲). بر این اساس، تربیت فرایندی است که موجب شکوفایی استعداد های انسان به سوی کمال مطلق می‌شود. بنابراین، با رفع موانع باید زمینه از قوه به فعل درآمدن نیروهای نهفته در ذات انسان را فراهم کرد تا انسان آراسته به کمال الهی شود. بدیهی است که کوشش هر فرد در این زمینه، بستر لازم را برای این شکوفایی فراهم می‌کند (دلشاد تهرانی، ۱۳۸۷: ۲۵). تعلیم از ریشه علم به معنی آموختن، آموزش دادن و بیآگاهانیدن است (دهخدا، ۱۳۷۲: ج ۴، ۵۹۷۱؛ معین، ۱۳۶۴: ج ۱، ۱۱۰۳). تعلیم به معنی عام، شامل هر نوع انتقال مفاهیم و تأثیرگذاری در ذهن فراگیر به منظور ایجاد یادگیری است. این تأثیرگذاری ممکن است به طور مستقیم و از پیش طراحی شده در کلاس‌های درس رسمی صورت گیرد، یا به صورت غیررسمی و از طریق مطالعه منابع نوشته شده و رسانه‌های نوشتاری، مانند روزنامه‌ها و مجله‌ها، یا برنامه‌های پخش شده از رسانه‌های گفتاری و دیداری (صدا و سیما) و فضای مجازی باشد. تعلیم یا آموزش به معنی خاص عبارت از فعالیت‌های صورت گرفته برای آسان‌سازی یادگیری از سوی آموزگار یا مربی است. در این معنی، جریان یادگیری بین مربی و متربیان به صورت کنش متقابل شکل می‌گیرد (سیدنژاد، ۱۳۹۶: ۱۴).

تربیت و تعلیم لازم و ملزوم یکدیگرند و رابطه‌ای دوسویه با هم دارند. با وجود این، رابطه آنها به تعبیر اهل منطق، رابطه «عموم و خصوص من وجه» است. هر تربیتی ممکن است بر اثر تعلیم یا آموزش محقق شود، ولی هر تعلیمی شاید به تربیت منجر نشود. چه بسیار انسان‌های باسواد و تعلیم‌دیده‌ای که از تربیت اخلاقی و فرهنگی عاری هستند، مانند آن پزشک اصفهانی که چانه پاره شده دختر بچه‌ای را بخیه کرد و چون خانواده‌اش از پرداخت هزینه عاجز بودند، بخیه‌ها را شکافت و آنها را از مطب خود بیرون کرد. به همین علت، عقیده بر این است که از نظر درجه اهمیت، تربیت مقدم بر تعلیم است و عنوان «وزارت پرورش و آموزش» را مناسب‌تر از وزارت آموزش و پرورش می‌دانند. ادبیات تعلیمی در ایران پیشینه‌ای دیرینه و درخشان دارد. هدف

نگارنده در این مقاله، تبیین و پیگیری رد ابیات تعلیمی از دوران پیش از اسلام تا بعد از اسلام و به ویژه کتاب قابوسنامه و پاسخ به این پرسش اصلی تحقیق است.

### سؤال اصلی پژوهش

وضعیت ادبیات تعلیمی در ایران، به ویژه کتاب قابوسنامه چگونه است؟

### سؤال فرعی پژوهش

ادبیات تعلیمی در ایران، به خصوص کتاب قابوسنامه با نگاه به افق آینده فرهنگ ایرانی - اسلامی، چه نقشی در تربیت نسل‌های آینده می‌تواند داشته باشد؟

### روش‌شناسی

مقاله حاضر، به روش کیفی تدوین شده است. روش گردآوری مطالب کتابخانه‌ای و مراجعه به آثار مکتوب و یادداشت‌برداری، و نحوه تجزیه و تحلیل یافته‌های تربیتی قابوسنامه نوعی تحلیل محتوای کیفی است. در نتیجه، نخست قابوسنامه مطالعه و سپس مطالب آن در هشت بُعد دسته‌بندی شد. مؤلفه‌های ابعاد هشت‌گانه تفکیک و در هر مورد به چند شاخص از متن کتاب قابوسنامه اشاره شد. بعضی از این شاخص‌ها عین جمله نویسنده و برخی برداشت نگارنده از متن است.

### پیشینه تحقیق

نگارنده در این مقاله به جای پرداختن به مقاله‌های مرتبط با ادبیات تعلیمی که ممکن است تعداد آنها فراوان هم باشد، در اقدامی ریشه‌ای به طور مختصر به پیشینه ادبیات تعلیمی در آثار ایرانی پیش از اسلام و آثار تعلیمی بعد از اسلام اشاره می‌کند. از کتاب اوستای کنونی برمی‌آید که در ایران باستان کتاب‌های زیاد، علوم فراوان و آموزگاران بسیاری وجود داشته‌اند که این دانش‌ها را به دیگران می‌آموخته‌اند. دلایل عقلی نیز حکم می‌کند که کشور بزرگی چون ایران که فرمانروایان اندیشمندی چون کوروش و داریوش داشته است، نمی‌تواند بدون آثار علمی

نوشته شده باشد (رضازاده شفق، ۱۳۲۱: ۳). مروری کوتاه بر ادبیات تعلیمی بازمانده از گزند حوادث بنیان برانداز، نشان می‌دهد که نیاکان ما تا چه اندازه به ابعاد گوناگون تربیتی توجه داشته‌اند. اینک به چند نمونه از این آثار اشاره می‌شود:

**۱. اندرز اوشنر دانا:** شاید قدیمی‌ترین اندرزنامه بازمانده از ادبیات تعلیمی پیش از اسلام، این اثر باشد. «اوشنر» وزیر کیکاووس پادشاه اسطوره‌ای سلسله کیانیان است. دانایی او در اداره کشور باعث شده بود تا شاه بی‌خرد بر هفت کشور یا کل زمین مسکون حاکمیت داشته باشد. با وجود این، سرانجام تلخ او مانند بیشتر وزیران خردمند تاریخ ایران، مانند بزرگمهر و قائم مقام فراهانی و امیرکبیر است که همگی توسط فرمانروایان بی‌خرد زمان خود کشته شدند. این اندرزنامه پرسش و پاسخی بین اوشنر و یکی از شاگردان اوست. اینک به چند فراز از این اندرزنامه اشاره می‌شود:

نخستین هنر برای مردم، «خرد نیک» است. تیزتر از هر تیزی، خشم کامی است. تاریک‌تر از هر تاریکی، نادانی است. سخت‌بندتر از هر بندی ورن یا شهوت است. آسان‌تر از هر آسانی، خرسندی است. راهی که به بهشت می‌انجامد، گروش راست یا ایمان درست یا کنش نیک است. دو کس خود را سبک نکنند: یکی آنکه با درشت آوازی با دیگران سخن نگوید و دیگر آنکه از بدان چیز نخواهد. دو کس همواره زهر به دل هستند: یکی، ناداری که همه چیز را از دیگران می‌خواهد و دیگر، توانگری که تندگفتار است. دو چیز را نباید از خود دور کرد: خوی نیک و خرد. چهار چیز مرد را آشفته می‌کند: فرزند، زن، شاگرد و دوست بد (میرزای ناظر، ۱۳۷۳).

**۲. مینوی خرد:** داستان مینوی خرد از جمله اندرزنامه‌های بازمانده به زبان پهلوی ساسانی است. این کتاب حاوی یک مقدمه و ۶۲ پرسش و پاسخ بین شخصیتی خیالی به نام دانا از مینوی خرد یا روح عقل است. اگرچه نویسنده این اثر مشخص نیست، ولی مانند متن‌های مشابه آن دوران، سرشار از فرهنگ زندگی و انسانیت و نیز نشان از فرهیختگی و فرزاندگی نیاکان ما در این خاک دیرسال و کهن است. اینک به چند اندرز از آن، اشاره می‌شود: افترا مزین تا بدنامی و بدکاری به تو نرسد. شهوت رانی مکن تا از کردارت زیان و پشیمانی به تو نرسد. رشک زشت مبر تا زندگی ات بی‌مزه نشود. بیش از حد مخواب تا کارهای نیکی که باید انجام دهی، ناکرده نماند. از خواسته دیگران مدزد تا کوشش درست خودت از میان نرود. با دشمنان به انصاف ستیزه کن.

نسبت به مهتران نرمی و فروتنی؛ و نسبت به کهتران سازش و ادب در گفتار، بهتر است. به انبار کردن کار نیک کوشا باش تا در جهان مینوی به فریادت برسد. به زندگی تکیه مکن، چه، سرانجام مرگ بر تو رسد. شادی ای که از هر شادی برتر است: تندرستی، امنیت، نیک‌نامی و نیکوکاری است. بیان همین چند اندرز نشان از انباشتگی این خردنامه از خردهای ناب و سازنده انسانی است که عمل به آنها دنیا و آخرت انسان را آباد و مینو می‌کند (تفضلی، ۱۳۷۹).

**۳. متون پهلوی:** سی و دو متن، رساله یا کتابچه به زبان پهلوی توسط یکی از پارسیان هند به نام جاماسپ جی [به] دستور منوچهر جی جاماسب آسانا با عنوان *متون پهلوی گردآوری شده‌اند* که تعدادی از آنها اندرزنامه‌های گران‌قدری هستند که هر جمله از آنها برای تربیت و فرهنگ‌سازی انسان‌ها با هر دین و ملیتی اثرگذار است. به عبارتی، این اندرزنامه‌های جاویدان فرازمانی، فرامکانی و فرامذهبی هستند. اینک از هر یک چند جمله تربیتی ارائه می‌شود:

**الف) اندرزهای پیشینیان:** به داد و دین باید رفتن و پدر و مادر را نه آزدن. هر روز با

خویشتن آمار کردن که امروز چه سود و چه زیان. دانایی را تایی نیست، حسد را نام نیست، گیتی را پایش نیست، زندگی را رامشی نیست، مرگ را چاره نیست.

**ب) چیده اندرز پوریوتکیشان:** هر یک از مردم که به پانزده سالگی رسد، آن‌گاه باید

این چند چیز را بداند: کیستم؟ و که را خویشم؟ و از کجا آمده‌ام؟ و باز به کجا می‌شوم؟ او که آفریننده است، هر مزد است که همه نیکی و روشنی است. از همه گناهان به توبه شوید و از همه گناهان به کفاره شوید. اقدام به کار خوب و نیک از کوشش زاید. آن دانشی نیرومند است که هست، بود و باشد.

**ج) اندرز خسرو قبادیان (انوشیروان):** ای مردمان از گناه کردن پرهیزید. اندازه به کار

و پیمان کنید. به بهره خویش خرسند باشید و بهره دیگر کس مدزدید.

**د) اندرز انوشه روان آذرباد مارسپندان:** از دست رفته را فراموش کن و نیامده را تیمار

و رنج مبر. بیگانه مخند. از مرد سخن چین و دروغگو سخن مشنو. چندان که توانی مردمان را به سخن میازار. مطیع باش تا مورد اعتماد باشی. راستگو باش تا استوار باشی. فروتن باش تا بسیار دوست باشی. اگر خواهی که از کسی دشنام نشوی، به کسی دشنام مده. شباخیز باش تا کار روا باشی. هر که برای رقیبان چاه کند، خود اندر آن افتد.

این رساله دربردارنده ۱۵۴ اندرز یا پند، مشابه پندهای پیش گفته است.

**ه) اندرز بهزاد فرخ پیروز:** با ابزار دیگر کس کار نکنید. هر که او را خرد هست، هنر نیز هست. مرد را به موقعیت بزرگ، خرد راهنمایی می کند و او را از شگفت ترین بلا، خرد می رهاند.

**و) سخنان آذرباد زرتشتان:** آشتی کردن بهتر است و نه جنگ کردن. به آنچه که آمده است، خرسند باشید و اندوهگین نباشید. کسی که یزدان او را یار نیست، او از همه بدبخت تر است.

**ز) یادگار بزرگمهر:** این رساله به صورت پرسش و پاسخ از بزرگمهر است: از مردم کدام فرخ تر؟ آنکه بی گناه تر. از کردارها چه بهتر است؟ آگاهی دینی. کدام دوست بهتر است؟ آنکه فریادرس تر و در سختی پایدارتر باشد. چه چیز سودمندتر است؟ با دانایان نشستن. چه چیز دشوارتر است؟ بودن با بدان.

**ح) واژه‌ای چند از آذرباد مار سپندان:** چون شما را نیکی رسد، بسیار شاد باشید. چون شما را بدی بر رسد، بسیار اندوهگین باشید. هر که بدی و پلیدی کند، به خود یا به فرزندان رسد. به بدتران با بدی جواب دهید، چه شخص بدتر، خود به کنش بد خویش می رسد.

**ط) داروی خرسندی:** اگر این نکنم، چه کنم؟ از امروز تا فردا شاید بهتر شود، از این بدتر هم شاید بشود. خرسند بودن چه برای تن و روان بسیار سودمندتر است (جاماسب آسانا، ۱۳۷۱).

## ادبیات نظری پژوهش

نظام کنونی تعلیم و تربیت یا آموزش و پرورش بیشتر مبتنی بر تفکر منطقی و کمیت گرا است و نسبت به کیفیت درونی مرتبی یا فراگیر کم توجه است. این در حالی است که تربیت معنوی یا همان تربیت کیفی ماندگار است و در نتیجه، هماهنگی و ایجاد توازن بین حالت های

درونی و بیرونی مخاطب حاصل می‌شود (میلر<sup>۱</sup>، ۱۳۸۰: ۱۲). از سوی دیگر، معنا یافتن زندگی تابعی از رشد وجودی شخص و اهداف ارزشمند اوست. انسان موجودی غایتمند و هدف‌گراست که نقطه مقابل آن، پوچی و بی‌هدفی است. عمل‌گرایان یا پوزیتیویست‌های امروزی با وابسته دانستن ارزش‌ها به موقعیت‌ها و شرایط، خواسته یا ناخواسته به بی‌معنایی ارزش‌های مطلق در زندگی انسان کمک کرده‌اند (گوتک<sup>۲</sup>، ۱۳۹۸: ۱۵۱). چنین است که یکی از اندیشمندان غربی مشروعیت دانش را در دوران پسامدرن از دو بعد می‌نگرد: یکی اینکه دانش بیرونی شده است و دیگر اینکه بهجت و سرور آفرینی درونی را از دست داده و به صورت ابزاری در دست صاحبان قدرت در آمده است. در این حالت، دانش نسبت به داننده‌اش حالت بیرونی دارد و در جان او جایی ندارد که بتوان تحول درونی شخص را از آن انتظار داشت. با این حساب، کسب دانش هدف یا ارزش ذاتی و درونی ندارد. دانش به منزله اطلاعاتی کمی و بیرونی شده است که براساس نتایج و اثربخشی بیرونی قابل ارزیابی است. به بیان دیگر، دانش به کالایی اطلاعاتی تبدیل شده که علاوه بر کارکرد اقتصادی و مادی یا بیرونی، کارکرد سیاسی نیز پیدا کرده و در اختیار قدرتمندان قرار گرفته است (لیوتار<sup>۳</sup>، ۱۳۸۰: ۶۴).

با وجود این، در میان همین اندیشمندان، کسانی هستند که از نقش معنویت در تربیت غافل نیستند و عقیده دارند که معنویت در زندگی نیاز عاطفی و روان‌شناختی انسان است و حتماً لازم نیست از مبانی دینی برخاسته باشد (بست<sup>۴</sup>، ۲۰۰۸: ۳۲۱). حتی به صورت افراطی عقیده دارند که جنبه معنوی تربیت با دینداری افزایش یا کاهش پیدا نمی‌کند (بیکر<sup>۵</sup>، ۲۰۰۸: ۶۱). با چنین دیدگاهی، تربیت معنوی در چهار حیطه قابل تصور است: اول، تربیت براساس اصول معنوی؛ دوم، تربیت براساس پرورش روح فردی؛ سوم، تربیت براساس فعالیت معنوی و چهارم، تربیت براساس گرایش‌ها و علایق معنوی (هند<sup>۶</sup>، ۲۰۰۳).

از میان فیلسوفان غربی، فلوطین سردسته فلاسفه نوافلاطونی، زندگی حقیقی را زندگی همراه

1. Miller  
2. Gotek  
3. Lewtar  
4. Best  
5. Bigger  
6. Hand



با شادی و عین سعادت‌مندی تعریف و توصیف می‌کند. در چنین نحوه زیستی است که انسان به تمایلات طبیعی و آرزوها و خواسته‌های نفسانی و عقلانی خود نیز دست می‌یابد، زیرا این خواسته‌ها در طبیعت او نهفته است و برآوردن آنها موجب احساس رضایت و خوشبختی می‌شود. در واقع، زندگی موافق با طبیعت برای هر فردی خرسندی را به دنبال دارد و سعادت‌مندی امری فراگیر است و مراتب سعادت‌مندی، به عقلانیت سطح زندگی بستگی دارد. به عبارتی، هر چه سطح زندگی انسان به عقل و عقلانیت نزدیک‌تر باشد، درجه سعادت‌مندی افراد بیشتر و زندگی آنها عقلانی‌تر می‌شود. برترین غایت زندگی دستیابی به «نیک نخستین» است که اگر زندگی هر کس با آن آمیخته و یکی شود، خوشبخت‌ترین و خرسندترین انسان است و به آرامش و کمال واقعی دست یافته است. رسیدن به خواسته‌های دیگر، در مقابل این خواسته، اهداف فرعی به حساب می‌آیند (فلوطین<sup>۱</sup>، ۱۳۸۹: ج ۱، ۸۱-۸۸).

همان‌گونه که ملاحظه می‌شود، دیدگاه فلوطین به دیدگاه اسلام و دیدگاه‌های مبتنی بر مذاهب دیگر و حتی بنیان‌های فکری فلسفه شرق (بودا و کنفوسیوس) بسیار نزدیک است. پیام قرآن نیز همین است: «إِنَّا لِلَّهِ وَإِنَّا إِلَيْهِ رَاجِعُونَ» (بقره/۱۵۶): ما از خداییم و به خدا بازمی‌گردیم». به خدا بازگشتن اوج سعادت‌مندی و خرسندی است، زیرا این هدف عالی و متعالی مسیر زندگی انسان در دنیا را نیز هدایت می‌کند. فلوطین به پیروی از افلاطون، حقیقت و زیبایی را پرتوهایی از «اُحد نخستین» یا خداوند می‌داند و زندگی عقلانی یا حیات معقول را مرغزار حقیقت توصیف می‌کند که فراتر از عالم محسوس است. برخوردار از نفس، نتیجه زندگی عقلانی و همراه با خداست، نه صرفاً زندگی مادی و ملموس. با این وصف، خوشبختی نوعی خودتحوالی است که شخص بر اثر آمیختن زندگی‌اش به آرمان‌های عقلانی بدان دست پیدا می‌کند (جرسون<sup>۲</sup>، ۲۰۱۲: ۱). به اعتقاد فلوطین، انسان به تبعیت از بایدهای حیاتی و حقوق طبیعی، به دنبال سعادت‌مندی و زندگی خوب و کیفی کردن و ارزشمند کردن سطح زندگی خود است. از دید او، نیک نفس شدن در برخوردار از دانایی و خویشنداری است. فعالیت‌های عقلانی انسان فارغ از هیجان‌ها است و نفس نیک به سمت و سوی شبیه خدا شدن پیش می‌رود (فلوطین، ۱۳۸۹، ج ۱: ۶۲). با توجه به این مبانی،

1. Photnius  
2. Gerson

رسیدن به بالاترین خیر یا خیر اعلی، یگانگی و تشبه نفس با واحد یا خدای یگانه است که مبدأ و آغاز همه نیکی هاست. این هدف غایی و نهایی زندگی انسان است و هر انسانی در سیر مراتب صعود نفسانی خود در مسیر رسیدن به چنین هدفی قرار می‌گیرد. بنابراین، باید شرایط و زمینه‌های فرایند تربیت نفس را فراهم کرد تا انسان به حیات عقلانی یا زندگی کمالی و مترادف با عقل دست یابد (ادواردز<sup>۱</sup>، ۱۹۹۷: ۳۵).

از دیدگاه اسلام، عقل پیغمبر باطنی و یکی از پایه‌ها و دلایل چهارگانه استخراج و تدوین فقه اسلامی است. از دیدگاه متکلمان و فقیهان مسلمان: «كُلُّ مَا حَكَمَ بِهِ الْعَقْلُ حَكَمَ بِهِ الشَّرْعُ وَ كُلُّ مَا حَكَمَ بِهِ الشَّرْعُ حَكَمَ بِهِ الْعَقْلُ: هر چیزی که مورد تأیید عقل باشد، شرع نیز آن را درست می‌داند و هر چه که شرع آن را درست بداند، عقل نیز آن را تأیید می‌کند (مطهری، ۱۳۵۸، ج ۲: ۶۱؛ ج ۳: ۴۱-۴۰).

### ادبیات تعلیمی پس از اسلام

نظر به پیشینه غنی فرهنگی ایران پیش از اسلام، به خصوص در حوزه ادب و اخلاق و فرهنگ، بعد از تثبیت حکومت عباسیان، توسط ایرانیان هوشمند بخش عمده‌ای از این پیشینه فرهنگی از زبان پهلوی به زبان عربی ترجمه شد و باقی ماند. پس از تشکیل اولین حکومت‌های محلی ایرانی، مانند: صفاریان، سامانیان، زیاریان و دیلمیان، بخش‌هایی از آن میراث فرهنگی چند هزار ساله یا از آثار دست اول پهلوی یا از آثار ترجمه شده به عربی، به زبان فارسی تدوین شد و به بستر اولیه خود بازگشت. آثار این بازتجدید فرهنگی ادبیات تعلیمی را می‌توان در آثار عارفان یا به تعبیر استاد زرین کوب، «میراث صوفیه» مانند: حدیقه سنایی، مثنوی مولوی، گلستان و بوستان سعدی، سیاست‌نامه خواجه نظام الملک و به خصوص قابوسنامه دید. هر چند که شاهنامه فردوسی، مخزن الاسرار و خمسه نظامی و حتی اشعار ناصر خسرو سرشار از آموزه‌های تعلیمی در پرورش فکری و فرهنگی فرزندان این مرز و بوم است.

بخشی از ادبیات تعلیمی را می‌توان در نصیحه الملوک‌ها و خطاب به دولت مردان دید؛ بخشی از آنها را می‌توان در فتوت‌نامه‌ها یا اخلاق کاری صنف‌های مختلف خدمت‌رسان در جامعه، مانند پزشکان، خیاطان، بازاریان، خوراک‌پزان و... دید؛ قسمتی را می‌توان در قالب کتاب‌های آدابی،

1. Edwards

مانند *احیاء علوم الدین* و *کیمیای سعادت* غزالی و نیز *حلیة المتقین* علامه مجلسی دید؛ بخشی از آنها را می توان در قالب کتاب های اخلاقی، مانند *طهاره الاعراق* ابن مسکویه رازی و ترجمه آن به زبان فارسی توسط خواجه نصیرالدین طوسی به نام *اخلاق ناصری*، *اخلاق محتشمی* ملاحسین کاشف سبزواری، *جامع السعادات* و *معراج السعاده* نوشته ملامحمد مهدی و پسرش ملاحمد نراقی دید. شاید کمتر کسی از این قضیه آگاهی داشته باشد که عالمی لغت شناس، چون راغب اصفهانی کتابی در ارکان اخلاق اسلامی دارد که گفته می شود امام محمد غزالی این کتاب را همیشه همراه خود داشته است. کتاب راغب در هفت فصل و ۱۴۸ باب تدوین شده است. عناوین تعدادی از فصل ها و باب های این کتاب برگرفته از معارف قرآنی و سنت نبوی و بدین شرح است: در احوالات فضایل و اخلاقیات انسان، حیا و عفت، بلندهمتی، مشورت، نصیحت، رازداری، ازدواج نیک و بد، خشم و بردباری، غیرت، غبطه، حسد، عدالت، محبت، انفاق و... (راغب، ۱۳۷۶).

**آثار تعلیمی باباطاهر:** طاهر پسر فریدون، از لره های ساکن همدان از عارفان و شاعران بزرگ و معروف اواخر سده چهارم و تقریباً همه سده پنجم هجری قمری است. «جواد مقصود» ۳۶۵ دو بیتی و ۴ غزل از شعرهای ایشان را با استفاده از نسخه های معتبر گرد آورده است. از باباطاهر ۴۲۱ کلمه قصار یا جمله حکیمانه باقی مانده که توسط عین القضاة همدانی شرح داده شده اند. باید آنها را خواند تا دانست که این مرد دانشمند در فضیلت علم چقدر داد سخن داده است. به چند جمله از این میراث گران بها اکتفا می شود: علم و معرفت، مانند روح و جسد است که یکی از آنها بدون دیگری به مرحله کمال نمی رسد. علم راهنما و حکمت مفسر آن است. علم آتش خدا برای سوزاندن جهل و نادانی نفس است. دنیا پل آخرت است. ذکر، مقدم داشتن خدا بر همه چیز است. هر کس را آتش غیرت بسوزاند، شعله او خاموش نمی شود.

علاوه بر کلمات قصار، از باباطاهر رساله ای عارفانه به نام *الفتوحات الربانیة فی مزج الاشارات الهمدانیة* نیز شامل ۳۲۲ حکمت باقی مانده که توسط محمدبن ابراهیم خطیب وزیر شرح و ترجمه شده است. این رساله نیز سرشار از توصیه های تعلیمی عارفانه و عالمانه برای خودسازی و دیگرسازی است (مقصود، ۱۳۷۶).

**فتوحات مکیه:** این کتاب مفصل که در ۱۷ جلد به فارسی ترجمه شده است، نوشته محیی الدین عربی و دربردارنده آموزه های تربیتی، فرهنگی و تعلیمی مبتنی بر معارف دینی اسلام

است. باب ۵۶۰ فتوحات که هفدهمین و آخرین جلد ترجمه فارسی این کتاب است، دربردارنده وصیت‌های عرفانی و اخلاقی بزرگان دین، همچون پیامبر اکرم (ص)، امیرالمؤمنین علی (ع) و دیگران به افراد گوناگون است. بسیاری از این وصایا نیز از خود ابن عربی و عرفای بزرگی چون فضیل بن عیاض است. عنوان برخی از این توصیه‌ها عبارت‌اند از: توصیه به عیادت بیماران، توصیه به گمنام زیستن، رعایت حسن اخلاق با دیگران، صدقه دادن، حال مسلمانان را مراعات کردن، حفظ حقوق همسایگان، یاری برادران، حقیر شمردن بندگان خدا، پرهیز از کبر و خودپسندی، راست گفتاری، ادای امانت، وفای به عهد، حیا داشتن، حفظ آبروی مسلمانان، پرهیز از پرخوری و شکم‌بارگی، خداترسی و... (ابن عربی، ۱۳۹۳).

#### احکام العشره یا آداب معاشرت از دیدگاه معصومین (ع): اگرچه پژوهشگر بزرگی

چون علامه محمدباقر مجلسی کتابی مانند *حلیه المتقین* را در آداب زندگی اسلامی تهیه و تدوین کرده است که از جمله کتاب‌های تعلیمی به حساب می‌آید، ولی شیخ حرّ عاملی، از علمای شیعی معروف در همان دوران، در بخشی از کتاب *وسائل الشیعه* که دایره‌المعارف فقه موضوعی شیعه است، بخشی را با عنوان احکام العشره در ۶۶ باب گرد آورده که یکی از بهترین آثار تعلیمی مبتنی بر معارف شیعی است. در این اثر، ایشان ۸۹۴ حدیث از معصومان را گرد آورده است که عنوان تعدادی از باب‌های شصت و شش‌گانه آن عبارت‌اند از: چگونگی معاشرت با دوستان، کراهت اخم کردن بر مردم، استحباب مشورت با عاقل و اشخاص صاحب‌نظر، استحباب بلند گفتن سلام و سخن نیکو گفتن، کراهت خنده بدون علت و شوخی زیاد، و جوب خودداری از آزار همسایه و استحباب خوش رفتاری با او، و جوب راستگویی و تحریم دروغ و... (عاملی، ۱۳۷۲).

#### آثار تعلیمی سعدی: سعدی شیرازی از جمله مفاخری است که بیشتر آثار او حتی

هزلیاتش، از جمله آثار تعلیمی مؤثر در ادب ایرانی و اسلامی است. بسیاری از قصیده‌های او، حتی اشعار مدحی‌اش، سرشار از تذکر، موعظه، اندرز و پند است. در میان آثار او، دو کتاب *گلستان* و *بوستان* از بهترین آثار تعلیمی در زمینه تربیت فرهنگی است. *گلستان* در ۸ باب و یک دیباچه است که فهرست باب‌های آن گویای ماهیت تربیتی و آموزشی آن است: در سیرت پادشاهان، در اخلاق درویشان، در فضیلت قناعت، در فواید خاموشی، در عشق و جوانی، در ضعف و پیری، در تأثیر تربیت و در آداب صحبت. اگر بخواهیم به فرازهای آموزشی و تربیتی *گلستان* اشاره کنیم، باید آن

را دوباره نویسی کنیم؛ زیرا همه مطالب این کتاب ارزشمند گزیده و حاصل تجربه علمی و زیستی نویسنده با اقشار مختلف مردم، اعم از دولت مردان و طبقات ضعیف و نادار جامعه است. از باب هفتم که ویژه تربیت است، یکی، دو جمله انتخاب شده است: خرج فراوان کسی را مسلم است که دخل معین دارد. تربیت یکسان است و طبایع مختلف. تو را پرسند هنرت چیست و نگویند پدرت کیست؟

بوستان دومین اثر تعلیمی ویژه سعدی در ۱۰ باب و یک دیباچه تدوین شده است که عناوین باب‌های آن عبارت‌اند از: در عدل و تدبیر و رأی، در احسان، در عشق و مستی و شور، در تواضع، در رضا، در قناعت، در تربیت، شکر بر عافیت، توبه و راه صواب، مناجات. رویه سعدی در هر دو کتاب یکی است؛ نخست، داستانی نقل، و از آن، نتایج اخلاقی و تربیتی گرفته می‌شود (سعدی، ۱۳۹۲).

در یک جمع‌بندی از پیشینه ادبیات تعلیمی در ایران می‌توان گفت که این نوع ادبیات ریشه‌ای کهن و چندین هزار ساله در این مرز و بوم دارد و در طول زمان، همواره رو به تعالی بوده و هیچ‌گاه متوقف نشده است. اگر مبالغه و اغراق به حساب نیاید، کمتر اثری در ادب ایرانی پیش از اسلام و بعد از اسلام است که در آن، به ادبیات تعلیمی و آموزه‌های تربیتی توجه نشده باشد. نکته قابل توجه آنکه این آموزه‌ها فقط خاص نوآموزان کم سن و سال نیست و همه اقشار جامعه، اعم از پیر و جوان و کودک، زن و مرد، فقیر و غنی، باتربیت و بی‌تربیت را شامل می‌شود.

### یافته‌های پژوهش و تحلیل

شاید برای پژوهشگران علاقه‌مند به ادبیات تعلیمی این پرسش مطرح شود که از میان این همه آثار تعلیمی که به طور مختصر به چند مورد آنها به صورت گذرا اشاره شد، چرا روی کتاب *قابوسنامه* تأکید شده است؟ این انتخاب چند دلیل دارد:

۱. این اثر کاملاً رویکرد تعلیمی و تربیتی دارد و با این هدف نگارش شده است و حاوی آموزه‌هایی است که یک پدر دلسوز، خیلی بی‌دریغ و بی‌منت همه این آموزه‌ها را در اختیار فرزندش و همه فرزندان زمان بعد از خود و در مکان‌های مختلف می‌گذارد. نویسنده در مقدمه کتاب خطاب به فرزندش می‌نویسد: «بدان ای پسر که من پیر شدم و پیری و ضعفی بر من چیره

شد و منشور عزل زندگانی از موی خویش بر روی خویش کتابتی می بینم که آن کتابت را دست چاره جویی از من کشف نتواند کرد.» ایشان در ادامه به صراحت می گوید هدفش آن است که پسر را با مهر پدری از تجربه هایش آگاه کند: «تا پیش از آنکه دست زمانه تو را نرم کند، خود به چشم عقل در سخن من نگری و فزونی یابی و نیکنمایی هر دو جهان حاصل کنی» و چه دردمندانه ادامه می دهد: «و اگر چه سرشت روزگار بر آن جمله آمد که هیچ فرزند، پند پدر خویش را کار نبندد که آتشی که در باطن جوانان است که از روی غفلت پنداشت خویش ایشان را بر آن دارد که دانش خویش برتر از دانش پیران دانند. اگر چه مرا این معلوم بود، مهر و شفقت پدری مرا یله نکرد که خاموش باشم.»

۲. این پدر و پسر، یعنی پنددهنده و پندشونده نجیب زاده و از خاندانی اصیل و ایرانی هستند که نیاکانشان سالها بر بخش های بزرگی از شمال ایران فرمان رانده اند. پنددهنده به همه آداب زندگی آشناست و در سن و سالی است که هر آنچه می گوید، تجربه کرده است. شیوه پنددهی او نیز آموزنده است. کاملاً ارشادی است و تحکمی نیست. او به پسر می گوید: «اگر از تو کار بستن خیزد، خود پسند آمد و آلا آنچه شرط پدری بود، کرده باشم که گفته اند که بر گوینده بیش از این گفتار نیست، چون شنونده خریدار نیست، جای آزار نیست.» عنصرالمعالی کیکاووس، این پدر دلسوز، چقدر دلش می خواهد که آنچه را در سرد و گرم روزگار چشیده و دیده است، به حاصل عمرش، گیلان شاه، منتقل کند. او چنین ادامه می دهد: «بدان ای پسر که سرشت مردم چنان آمد که تکاپوی کنند تا اندر دنیا آنچه نصیب او آمده باشد، به گرامی ترین خویش بگذارند. اکنون نصیب من از این جهان این سخن آمد و گرامی ترین من تویی. چون ساز رحیل کردم، آنچه نصیب من آمده بود، پیش تو فرستادم تا تو خود کام نباشی و از ناشایست پرهیز کنی و چنان زندگی کنی که سزاوار تخمه پاک تست.»

۳. قابوسنامه خلاصه ای از میراث تعلیمی و اخلاق مدارانه ایران باستان با رنگ و لعاب و آراستگی به آداب دینی اسلامی است و آگاهی از آن برای هر ایرانی مسلمان سودمند و مفید است. عنصرالمعالی زمان تدوین این نصیحت نامه مردی متدین و خداشناس است و به پسر خود و همه فرزندان این مملکت چنین توصیه می کند: «پس ای عزیز من، بر خویشتن واجب دان شناختن راه خدای تبارک و تعالی - جل جلاله و عم نواله و عظم شأنه - و شروع کردن در راه حق - جل و

علا- از سر اهتمام و حضور تمام.» آن گاه در پایان چنین دعا و مناجات می کند: «صمدا! معبودا! جمع مؤمنین و مؤمنات و مسلمین و مسلمات را توفیق راه راست کرامت فرمای» (عنصرالمعالی، ۱۳۴۷: ۱-۳). نگارنده می گوید: «آمین.» با این مقدمه، خواننده به اهمیت و ضرورت توجه به چنین متن سرشار از آموزه‌های تربیتی‌ای اذعان خواهد کرد.

قابوسنامه دارای ۴۴ باب است و از عناوین باب‌ها برمی آید که گوینده و نویسنده به واسطه نجیب زادگی و برخوردارگی از نجابت خانوادگی و منش شاهزادگی همراه با اعتقاد به مبانی دینی و آگاهی، از نظر آداب گوناگون یک زندگی انسانی، فردی جامع‌الابعاد و جامع‌الاطراف در همه زمینه‌های معرفتی است. چهار باب اول کتاب به شناخت قدرت خدا، پاسداشت نعمت‌ها و سفارش به اطاعت او اختصاص دارد. دومین سفارش او در مورد رعایت حق پدر و مادر است. نکته بعدی در مورد فروتنی و آراستگی به هنر بخشندگی و عفو است. همین تواضع، زمینه را برای سخن‌دانی و دانش فراهم می کند. باب هشتم درباره پندهای انوشیروان خسرو اول است و نشان می دهد که پادشاهان ایران باستان عمدتاً اهل سخن‌دانی و معرفت بوده اند. عنصرالمعالی در نمودن راه درست به فرزندش از هیچ چیز دریغ نکرده است؛ از تفریحات، از ورزش‌ها، سرگرمی‌ها، مال‌اندوزی، زن خواستن و فرزند پروردن، دوست گزیدن، کسب علوم و دانش‌های مختلف، آداب ملک‌داری و دولت‌مردی، رسم دهقانی و به تعبیر خودش هر پیشه‌گانی و آخرین نکته که مکمل مباحث چهل و سه گانه پیشین است، پرداختن به آداب و آیین جوانمردی است.

#### جدول ۱. ابعاد و مؤلفه‌های تعلیمی قابوسنامه

ردیف	ابعاد	مؤلفه‌ها
۱	دین‌داری و اخلاق معنوی	خداشناسی و تقدس، نبوت و شناخت پیامبران، سپاسگزاری از خدا، اطاعت از خدا در انجام دادن حج و پرداخت زکات، احترام به پدر و مادر، امانت‌داری، آداب زن گرفتن و فرزندپروری
۲	دانش‌اندوزی	سخن‌دانی و سخن‌گویی، پندپذیری، فقاقت و مدرسی، آداب علم پزشکی، آداب نجوم و هندسه
۳	هنرپروری	آداب هنرآموزی، آداب سرگرمی و شطرنج، آداب شکار، آداب چوگان بازی، شاعری و خنیاگری

تربیت در ادبیات تعلیمی با تأکید بر قابوسنامه و با نگاه به افق آینده فرهنگ ایرانی - اسلامی

ردیف	ابعاد	مؤلفه‌ها
۴	بهره‌بری از دنیا	آداب پیری و جوانی، آداب خوردن، آداب مهمانی، آداب عشق‌ورزی و بهره‌بری جنسی، آداب مال اندوختن، آداب برده و خانه و اسب و چهارپا خریدن، آداب تجارت کردن
۵	پاکیزگی و استراحت	آداب گرمابه رفتن، آداب خوابیدن و آسودن
۶	دشمنی کردن	آیین کارزار، آداب دشمن‌پایی، آداب مجازات و عفو
۷	سلوک درباری	آداب خدمت به دولت مردان، آداب ندیمی، آداب دبیری، آداب وزارت، آداب سپه‌سالاری، راه و رسم پادشاهی
۸	ادب اجتماعی	آداب دوست‌گزینی، راه و رسم دهقانی و هر پیشه‌گانی، آداب جوانمردی

جدول ۲. مؤلفه‌ها، مؤلفه‌ها، شاخص‌ها و مصادیق بعد دینداری و اخلاق معنوی در قابوسنامه

ردیف	مؤلفه‌ها	شاخص‌ها	مصادیق از قابوسنامه
۱	خداشناسی	شناخت خدا	ذات خدا قابل شناخت نیست، از نشانه‌ها باید او را شناخت.
		یگانگی خدا	خدا یکی است و جز او همه دو و بیشتر از دو هستند، مانند اصل و فرع، جوهر و عرض، هستی و نیستی و ...
		آفریننده دل‌بستگی‌ها	هر چه که انسان به آن دل‌بستگی پیدا می‌کند، خدا نیست. خدا آفریننده دل‌بستگی‌هاست.
		حکمت و عدالت	آفرینش جهان براساس حکمت و عدالت است.
		دانایی و توانایی	خدا دانا و تواناست و هر چه بودنی است، او بود کرد.
		روزی‌دهندگی	مردم آفرید تا روزی خورد و چون مردم پدید کرد، تمامی نعمت مردم بود.
۲	پیامبرشناسی	اداره جامعه	و مردم را لایب بود از سیاست و ترتیب.
		راهنمایی	سیاست و ترتیب بی راهنمایی خام بود.
		قدرشناسی از پیامبر	واجب کند که حق راهنمای خویش شناسی و روزی دو خویش را منت داری و فرستادگان او را حق شناسی.
		توسل و امید به حاجت‌روایی	دست به ایشان زنی و همه پیغامبران را به راستگویی داری.
		فرمانبرداری	از آدم(ع) تا پیغامبر ما (صلوات الله علیهم) فرمانبردار باشی.



ردیف	مؤلفه‌ها	شاخص‌ها	مصادیق از قابوسنامه
۳	سپاسگزاری از خدا	وسع و توان در شکر خدا	اگر همگی خویش شکر سازد، هنوز حق شکر یک جزو از هزار جزو نتواند گفتن بر اندازه فرمان.
		شکر در اقرار به زبان	شکر در اقرار به زبان و تصدیق در دل و عمل به فرمان خدا در نمازگزاری و روزه گرفتن است. شکر به وسیله نماز و روزه خاص خداست.
		شکر در تصدیق در دل	
۴	اطاعت خدا در انجام حج و پرداخت زکات	استطاعت	هر که را ساز بود، خانه او را زیارت کند و آن را که ساز ندارد، نفرمود.
		ثروت	ساز سفر حج پنج چیز است: مکنت و نعمت، توانایی، مدت، حرمت، امن و راحت. پرداخت زکات سالی یک بار توسط ثروتمندان.
۵	احترام به پدر و مادر	انسانیت	آنها اصل انسان هستند.
		واسطه بین انسان و خدا	آنها واسطه بین انسان و خدا هستند؛ همان‌طور که خدا را احترام می‌کنید، باید پدر و مادر را هم احترام کنید.
		پرهیز از رنجش آنها	نباید آنها را رنجاند و باید به آنها نیکی کرد.
۶	امانت‌داری	منع چشمداشت به میراث آنها	نباید چشم به میراث پدر و مادر داشت؛ زیرا بی مرگ آنها آنچه روزی باشد، می‌رسد.
		حفظ امانت	امانت نپذیر، اگر پذیرفتی نگاه دار.
		تحمل رنج امانت‌داری	امانت‌داری رنج دارد و رنج بی منت است و اگر امانت نزد تو بماند و طرف نیاید، رنج عظیم است.
		گواه گرفتن در امانت	امانت نهنده گواه گیرد و امانت نهد.
۷	زن گرفتن	ممنوعیت فریبکاری	در امانت‌داری فریبکاری مکن.
		احترام	حرمت نگه داشتن زن، زیرا از زن و فرزند [کسی] عزیزتر نیست.
		نیکویی	در زن گرفتن به دنبال مادرزن مباش، به دنبال نیکویی زن باش.
		شخصیت	زن خوب باید پاکیزه، پاک دین، کدبانو، شوهردوست، شرمناک، پارسا، کوتاه‌دست و مال‌نگهدار باشد.
	هم‌سطحی مالی	زن ثروتمندتر از خود مگیر.	

تربیت در ادبیات تعلیمی با تأکید بر قابوسنامه و با نگاه به افق آینده فرهنگ ایرانی - اسلامی

ردیف	مؤلفه‌ها	شاخص‌ها	مصادیق از قابوسنامه
		مدیریت	اختیار خود را به دست زن مده و زیر فرمان او مباحث.
		دوشیزگی	دوشیزه زن بگیر تا در دل او جز مهر تو مهر کس دیگری نباشد.
		تمکین	از زنان زبان‌دراز بگیریز.
		نجابت	زن باید امانت‌دار و از خاندان صالح باشد.
		رشادت و کدبانویی	زن باید تمام و رسیده و عاقله باشد و کدخدایی مادر و پدر خود را دیده باشد.
		پرهیز از سختگیری به زن	در زندگی با زن خود سخت مگیر که موجب ناپارسایی او خواهد شد.
		منع زن از تماس با نامحرم	زن را از ملاقات با مردان نامحرم باز دار.
		غیرتمندی	در قبال ناموس باغیرت باش که آن را که غیرت نباشد، دین نباشد.
		زن‌خواهی از غریبه	زن از قبیله دیگر خواه تا بیگانگان را خویش کرده باشی.
		کودکی	نام نیکو نهادن، سپردن به دایهٔ مهربان، ختنه به وقت آن برای فرزند پسر.
۸	فرزندپروری	تعلیم و تربیت	قرآن آموزی، سلاح آموزی، سوارکاری آموزی، شنا آموزی و چگونگی شناوری و شناگری، چوگان آموزی و کمداندازی، فرهنگ و دانش و ادب آموزی، پیشه آموزی و هر چه می‌توانی به وی بیاموز.
		هیبت پدری	با وی با هیبت باش تا تو را خوار نگیرد.
		ازدواج	زن خواستن برای پسر و شوهر دادن دختر به بیگانگان تا قبیله خویش قبیله کرده باشی و بیگانه را خویش کرده باشی.
			زود شوهر دادن دختر و داماد نیکو گزیدن.
			دختر به انسان زشت مده!
			آنچه داری در برگ دختر کن (جهیزیه بگذار).
			داماد از تو فروتر باشد؛ هم به نعمت و هم به حشمت.
			دختر فروش مباح!

جدول ۳. مؤلفه‌ها، شاخص‌ها و مصداق‌های بعد دانش‌اندوزی در قابوسنامه

ردیف	مؤلفه‌ها	شاخص‌ها	مصداق‌ها از قابوسنامه
۱	سخن‌دانی و سخن‌گویی	راستگویی	پرهیز از دروغ و راستِ دروغ مانند که بدتر از دروغ است؛ زیرا آن راست مقبول نمی‌افتد و آن دروغ مقبول می‌افتد.
		سخن ناگفتنی	گاهی سخنی را انسان می‌داند، ولی نباید بگوید؛ مانند عیوب دیگران و مباحث اختلاف‌انگیز دینی.
		سخن گفتنی	سخن گفتنی و دانستنی را باید گفت؛ زیرا صلاح دین و دنیا در آن است.
		نیک سخن گفتن	پرهیز از افراط و تفریط و میانه‌روی در سخن‌گویی.
		پخته سخن گفتن	پرهیز از شتاب‌زدگی در اظهارنظر.
		حفظ راز	پرهیز از رازگویی به دیگران.
		گواه نشدن	گواه و شاهد چیزی مباش و اگر شدی از گواهی دادن خودداری مکن و اندیشیده گواهی ده.
		حرف‌شنوی	همه حرف‌ها را بشنو.
		پرهیز از سخن سرد	سردسخن مباش که دشمنی می‌آورد.
		پرهیز از ابراز دانایی	اگر دانایی، خود را نادان شمر تا در آموختن بر تو همچنان گشاده باشد.
		تأمل در رد یا قبول سخن	هر سخنی را در جا رد یا قبول مکن تا عیب و هنر آن بر تو معلوم شود.
		یک‌رنگی در سخن	سخنت یکی باشد؛ یا عام عام یا خاص خاص.
		توجه به خواست دیگران	اگر از تو توضیح خواستند، مطابق میل طرف مقابل سخن بگو تا به سلامت از میان آنها بیرون آیی.
		کوچک‌نمایی در سخن	کمتر از آن نشان بده که می‌دانی، تا در سخن درنمایی.
		کم‌گویی و بسیاردانی	بسیاردان و کم‌گوی باش، نه کم‌دان بسیارگویی؛ و آن گوی که به کار آید تا وبال تو نشود.
		پرهیز از خودپسندی	خویشتن ستای مباش و بکوش تا ستوده مردمان باشی.
پرهیز از یاوه‌گویی	سخن گوی باش، نه یاوه‌گویی.		
خوب سخن‌گویی	بنگر که آیا سخن تو خریدار دارد؟ و اگر ندارد		

تربیت در ادبیات تعلیمی با تأکید بر قابوسنامه و با نگاه به افق آینده فرهنگ ایرانی - اسلامی

ردیف	مؤلفه‌ها	شاخص‌ها	مصادق‌ها از قابوسنامه
			سخنی گوی که طرف مقابل دوست دارد.
		انسانیت	با مردم مردم باش و با آدمیان آدمی.
		سخن شنوی	سخن شو باش و یادگیرنده.
۲	پندپذیری	آموزش در جوانی	در جوانی بیاموز تا در پیری مجبور به آموختن نشوی زیرا توقع آن است که پیر چیزهایی بداند که جوان نمی‌داند.
		پذیرش پندهای تلخ	چون این لفظ‌ها بخوانی آنها را خوار مدار که هم بوی حکمت از آنها آید و هم بوی ملک‌داری.
		پرهیز از پرده‌داری	اگر خواهی پرده تو دریده نشود، پرده کس مدر.
		بی‌آزاری	اگر خواهی بی‌بیم باشی، بی‌آزار باش.
		دشمن شناسی (تبری)	چرا دوست خوانی کسی را که دشمن دوستان تو بود؟
		تقسیم علوم	علوم دو قسم‌اند: علمی که به پیشه تعلق دارد، مانند پزشکی و مهندسی، و پیشه‌ای که به علم تعلق دارد، مانند موسیقی و بیطاری.
۳	فقاہت و مدرسہ	آگاهی از هر علمی	از علوم آگاه باش حتی اگر نیاز نباشد؛ زیرا موجب بزرگی است.
		علم بزرگ	بزرگوارترین علم، علم دین است؛ زیرا اصل آن بر توحید و فرع آن بر احکام و بهره آن به نفع دنیا است.
		اهمیت اصول دین	اول به اصول دین پرداز که بی‌اصل، فرع تقلید است.
		خصلت‌های طالب علم	پرهیزگاری، قانع بودن، علم دوستی، دشمنی با دنیا، بردباری، دیرخوابی و زودخیزی، حریص به نوشتن، فروتنی، خستگی ناپذیری، جستجوگری، عالم دوستی، تکریم استاد بدون خجالت، حریص در آموختن، معجز به ابزار آموزش، یادگیرندگی، کم سخنی، دوراندیشی، راضی نبودن به تقلید و دنبال اجتهاد بودن، اعتقاد به روح داشتن و یگانه روزگار شدن.
		خصلت‌های قاضی	در خانه فروتن، هنگام صدور حکم ترشروی و بی‌خنده، گران‌سایه، اندک‌گیر، شنونده سخنان دو طرف دعوا، صبور، مشورت‌خواهی از مفتیان، مجتهد،

ردیف	مؤلفه‌ها	شاخص‌ها	مصادقات‌ها از قابوسنامه
۴	آداب علم طب یا پزشکی		زاهد، پارسا و متقی، عالم و باورع.
		اصول حکم دادن قاضی	در چند موضع حکم ندهد: به هنگام گرسنگی، تشنگی، آمدن از گرمابه، وقت دلتنگی و وقت پرداختن به دنیا. از قصه‌گویی و کیلان جلوگیری کند، از گواه یا شاهد استفاده کند، در جرایم مالی دقت کند، مسائل اخلاقی را خیلی نشکافد، در حکم از درازنویسی پرهیزد.
		تسلط حرفه‌ای	طیب باید اصول علمی و عملی تن شناسی و آنچه را که در بدن نیست، ولی بر آن تأثیرگذار است، بداند.
		مزاج‌شناسی	چون اعضا از خلط‌ها و مزاج‌ها تشکیل شده است، طیب باید مزاج‌شناس باشد.
		صداقت و امانت‌داری	طیب در معالجه بیماران روراست و امانت‌دار باشد.
		خوش‌دلی و خوش‌سخنی	طیب باید تازه‌رو، خوش‌سخن و خوش‌دل باشد و به بیمار دلگرمی بدهد.
		پرهیز از تعجیل در تجویز دارو	به دارو کردن دلیری نکن تا به تسکین و تلطیف، کار برآید.
۵	آداب نجوم و هندسه	منع از پرهیز سخت بیمار	بر بیمار شکم‌بند پرهیز سخت منه، که قبول نکند.
		شرافت دانش نجوم	بعد از طب، نجوم علمی نبوی و دانشی شریف است و دلیل آن معجزه شق‌القمر پیامبر (ص) است.
		آگاهی از دانش ریاضی	جهد کن تا بیشتر رنج در علم ریاضی ببری که از ستارگان، سخن به میان می‌آورد.
		اهمیت نجوم	آگاهی از زمان تولد و تحویل سال و تحویل ماه که اولی، تحویل کبری؛ دومی، تحویل وسطی و سومی، تحویل صغری است.
		حساب‌دانی	دانش حساب، علم پایه برای دانش هندسه است، اگر چه حساب علمی وحشی است.
		اهمیت هندسه	موجب شناخت شکل‌های هندسی و اندازه‌گرفتن دقیق مساحت و زوایای آنها می‌شود.

جدول ۴. مؤلفه‌ها، شاخص‌ها و مصداق‌های بعد هنرپروری در قابوسنامه

ردیف	مؤلفه‌ها	شاخص‌ها	مصداق‌ها از قابوسنامه
۱	آداب هنرآموزی	سودآوری و سودبخشی	انسان بی‌هنر بی سود است و به خار مغیلان می‌ماند که تنه دارد، ولی سایه ندارد.
		فضیلت‌بخشی	هنرآموزی یکی از دلایل فضیلت انسان نسبت به حیوانات است و باز ماندن از هنر، حرکت به سمت فرومایگی است.
		کنترل زبان	هنرمند باید از سخن نارسیده پرهیز کند و زبان را به خوب‌گویی عادت دهد.
		دوری از تهمت	هنرمند باید از رفت و آمد به جاهای تهمت آمیز و یاری و دوستی بدآموز دوری کند.
		یک‌رنگی	گندم‌نمای جو فروش مباحث و همان باش که هستی.
		دلشادی	اندوه‌گین مباحث که فعل کودکان است و غم و شادی با کسی گوی که غمخوار و شادی‌خواه تو باشد.
		امیدواری	به وقت ناامیدی امیدوارتر باش و ناامیدی و امید را با هم آمیخته دان.
		سلامت روحی	سلامت دو جهان در هنر و سرمایه همه نیکی‌ها ادب و دانش است.
۲	آداب سرگرمی و شطرنج	پرهیز از شوخی	از مزاح سرد یا شوخی خشک پرهیز کن.
		منع فحاشی	از مزاح ناخوش و همراه با فحاشی شرم دار.
		برد و باخت	به گرو و پول نقد مباحث.
		ادب نگه داشتن	در شطرنج و نرد ادب نگه دار تا اول، حریف تو دست به مهره برد.
		منع از ستیزه‌جویی	با کسی مستیز که ستیز کار زنان و کودکان است.
۳	آداب شکارگری	آشتی اندیشی	در ستیزه‌جویی همیشه جا برای آشتی بگذار.
		جدیت در شکار	هفته‌ای دو روز شکار توصیه می‌شود.
		مرکب مناسب	در شکار و غیرشکار بر اسب کوچک و همچنین بر اسب راهوار منشین.
		استفاده از حیوانات شکاری	با پرندگان شکاری و سگ و یوز شکار کن تا خطری متوجه تو نباشد.

ردیف	مؤلفه‌ها	شاخص‌ها	مصادیق‌ها از قابوسنامه
		حدا استفاده از پرنده شکاری	پرنده‌گان شکاری را بیش از یک بار مپران.
		منع از خوردن شکار	شکارچی از گوشت شکار خود نخورد؛ زیرا مقصود تبهر در شکار است، نه طلب طعمه و طعام.
		منع از حمل حیوان شکارچی	یوز را بر پشت خود سوار مکن؛ زیرا شرط خرد نیست که حیوان وحشی بر خود داشته باشی.
۴	آداب چوگان بازی	پرهیز از غرور	در چوگان بازی غرور تو را نگیرد.
		حد چوگان	سالی دو بار بیشتر چوگان بازی مکن.
		تعادل در بازی چوگان	به چوگان بازی عادت مکن؛ زیرا آسیب‌رساننده است.
۵	آداب شاعری	آسان‌گویی	کوشش کن تا سخن سهل ممتنع و آسان‌گویی و از سخن پیچیده پرهیز؛ زیرا شعر برای دیگران است.
		پرهیز از تکلف	از تکلف و شعرگران پرهیز که شعر را ناخوش دارد، سهل و لطیف‌تر گو باش.
		آگاهی از علم عروضی	از علم عروضی آگاهی داشته باش و بدان که ۱۷ بحر عروضی مخصوص پارسیان بوده است.
		همه چیزگویی	در هر زمینه داد سخن بده؛ خواه زهد و مرثیه و مدح و هجو باشد.
		ممدوح‌شناسی	در مدح قوی و دلیر و بلندهمت باش و مدحی گوی که ممدوح را خوش آید و درخور او باشد.
		پرهیز از دروغ‌گویی	در شعر دروغ از حد مبر؛ هر چند که مبالغه دروغ در شعر هنر به حساب می‌آید.
۶	آداب خنیاگری (موسیقی)	سبک روحی	خونی خوی و سبک روح باش.
		پاکیزگی	پاک جامه، معطر، مرتب و خوش‌زبان باش.
		تنوع در نوازندگی	در نواختن تنوع به کار ببر و همه راه‌های گران یا همه راه‌های سبک مزن.
		تناسب موسیقی با سن	راه‌های گران خاص پیران و افراد جدی، راه‌های سبک و ترانه خاص جوانان و سرود برای مردمان خاص و پیران عاقل است.

تربیت در ادبیات تعلیمی با تأکید بر قابوسنامه و با نگاه به افق آینده فرهنگ ایرانی - اسلامی

ردیف	مؤلفه‌ها	شاخص‌ها	مصادق‌ها از قابوسنامه
		شعر مناسب	هر فصل و هر موقعیتی شعر خاص خود را طلب می‌کند و بهتر است خنیاگر راوی شعر دیگران باشد، نه شعر خود.
		خواست مخاطب	برای هر کس آن گوی که می‌خواهد تا تو را آن دهد که می‌خواهی.
		پاکدامنی	خنیاگر باید کر و کور و گنگ باشد؛ به دنبال چیزهای نشنیدنی و دیدن چیزهای ندیدنی و گفتن چیزهای نگفتنی نباشد.
		رازداری	دیده‌ها و شنیده‌ها را در جای دیگر نباید بگوید تا از او در مهمانی‌ها دعوت شود.

جدول ۵. مؤلفه‌ها، شاخص‌ها و مصادق‌های بعد بهره‌بری از دنیا در قابوسنامه

ردیف	مؤلفه‌ها	شاخص‌ها	مصادق‌ها از قابوسنامه
۱	آداب جوانی	عقل‌مندی	در جوانی پیرعقل باش.
		خویش‌داری	جوانی کن، ولی خویش‌دار باش.
		خداپاوری	در جوانی خدا را فراموش مکن.
		مرگ‌اندیشی	از مرگ ایمن مباش که مرگ نه به پیری است و نه به جوانی.
		جوانی کردن	تا جوانی جوان باش و چون پیر شدی پیری کن.
۲	آداب پیری	دوری از عادت‌های جوانی	چون پیر شدی از عادت‌های جوانی دور باش و رعایتی مکن.
		پرهیز از سفر	در پیری باید از سفر پرهیز کرد؛ خاصه اگر کسی بی‌نوا باشد.
		برنامه داشتن	در زندگی برنامه داشته باش؛ خصوصاً در پیری و وقت را در شبانه‌روز تنظیم کن.
۳	آداب خوردن	همراهی با اهل خانه	با اهل خانه غذا بخور!
		آهسته خوردن	با شتاب غذا نخور!
		سرفروزی	سر در پیش افکنده دار و در لقمه دیگران منگر.
		زمان سفره جمع کردن	چنان کن که چون سفره جمع شود، بسیار خوار و کم‌خوار همه سیر شده باشند.
		خوشرویی	تعارف کن و ترش‌رو مباش.



ردیف	مؤلفه‌ها	شاخص‌ها	مصادق‌ها از قابوسنامه
۴	آداب مهمانی	مهمان غریبه	غریبه را هر روز مهمان مکن که نمی‌شود هر روز به آن رسید.
		اندازه در مهمانی	در ماه به جای سه بار مهمانی، یک بار مهمانی و خرج سه بار را در آن یک بار انجام بده.
		وظیفه مهمان	پیش از چیدن سفره و میوه بر سر سفره منشین تا از تو دعوت به نشستن کنند.
		تکریم مهمان	با مهمان همراهی کن و پایین‌تر از همه بنشین.
		منع عذرخواهی	از مهمان عذرخواهی مکن.
		مهمانداری نیکو	بهتر آن است که سفره را پهن و کوزه آب نهی و بیرون روی تا مهمان راحت باشد.
		دعوت به ماندن	به مهمان تعارف کن تا بماند.
		توصیه‌ها به مهمان	دعوت فضول را نپذیر و مهمان هر کسی مشو. چون به مهمانی روی، گرسنه و سیر مرو.
		توصیه به میزبان	وسایل دست شستن مهمان را فراهم کن و گلاب پاش و فضا را معطر کن.
۵	عشق و ورزی	پرهیز از عاشقی	بکوش تا عاشق نشوی؛ خواه به جوانی و خواه به پیری (عشق بولهبوسانه)
		منع عاشقی در پیری	پیر نباید عاشق شود.
۶	تمتع و بهره‌وری جنسی	تعادل در مجامعت	مجامعت بسیار زیان دارد و ناکردن نیز زیان دارد.
		زمان مجامعت	در گرمای گرم و سرمای سرد مجامعت مکن، فصل بهار مناسب‌ترین زمان است.
۷	آداب مال‌اندوزی	مال‌اندوزی مباح	از فراز آوردن مال غافل مباش، ولی راه جمع آوری نیکو باشد تا بر تو گوارا باشد.
		جایگزینی مال	هر چه خرج کردی، سعی کن جایگزین کنی.
		دارایی در حد نیاز	داشتن بهتر از دوستان حاجت داشتن.
		مال ارزشمند	برای به دست آوردن مال زحمت بکش، بکوش تا آبادان باشی.
		یاری دیگران	به دیگران کمک کن.
	معقول خرج	خرج به اندازه دخل باشد تا نیازمند نباشی.	

تربیت در ادبیات تعلیمی با تأکید بر قابوسنامه و با نگاه به افق آینده فرهنگ ایرانی - اسلامی

ردیف	مؤلفه‌ها	شاخص‌ها	مصادقاتها از قابوسنامه
		قناعت به داشته‌ها	بدانچه داری قانع باش و بر خود سخت مگیر و روزی بر خود میند.
		پرهیز از اسراف	اسراف را دشمن و شوم دار.
		خرج صحیح	آنچه به دست آوردی، در مصالح به کار ببر.
		زرنگی در حفظ مال	مال خود را به بخیلان و به دزدان مسپار تا درست محافظت شود و از دزدی ایمن بماند.
		رنج شیرین	تن آسانی در رنج است و رنج در تن آسانی، رنج امروز آسایش فرداست.
		بهره‌بری درست	دو دانگ صرف مخارج، دو دانگ را پس انداز و دو دانگ را خرج تجمل زندگی کن.
		سرمایه‌گذاری سودمند	هر چه به خاک دهی بازیابی از خاک و مایه دایم پابرجا باشد.
		منع ربا	زر به سود مده و مستان.
		قرض دهی	به دوستان قرض مده که خواستش آزار است، اگر دادی مطلب که دوستی قطع شود.
		۸	آداب خانه خریدن
وقت خرید و فروش خانه	در وقت کساد بازار بخر و در وقت رونق بفروش.		
انتخاب همسایه	همسایه مصلح‌گزین و حق و حرمت او را نگه دار.		
نیک‌رفتاری با همسایگان	با اهل محل نیکو زندگانی کن؛ با شادی آنها شاد و با غم آنها غمگین باش و برای آنها هدیه بفرست.		
اظهار همدردی	به ملاقات بیماران برو و در تشییع جنازه همسایگان شرکت کن.		
رازداری	ناکردنی مکن و ناگفتنی‌ها را مگوی.		
۹	آداب اسب خریدن	اسب نیک	اسب نیک بخر که از صورتش پیداست (ویژگی آن آمده است).
		اسب بد	اسب سرخ چشم دیوانه و معیوب است (بقیه ویژگی‌های اسب بد نیز آمده است).

ردیف	مؤلفه‌ها	شاخص‌ها	مصادقاتها از قابوسنامه
۱۰	آداب تجارت کردن	صنعت بازرگانی	بازرگانی پیشه نیست، صنعتی مطلق به حساب می‌آید که رسوم آن، رسوم پیشه‌وران است.
		اصل و فرع بازرگانی	اصل بازرگانی بر جهل و فرع آن بر عقل است.
		خطرپذیری	معامله در بازرگانی با مخاطره همراه است.
		معامله توصیه شده	با بزرگ‌تر از خود معامله کن که دیانت، مروت و امانت دارد.
		معامله منع شده	با مردم تنگ‌بضاعت و سفیه معامله مکن.
		دیانت (منع دروغگویی)	دیانت در بازرگانی آن است که بر خرید دروغ نگوید.
		مروت	اصل بازرگانی بر مروت استوار است، نه تصرف مال و جاه (اعتبار).
		زیان بزرگ	بزرگ‌ترین زیان در بازرگانی از مایه خوردن است.
		شرایط رقابت	بازرگان کم‌سرمایه به رقابت با دیگران نباید وارد شود.
		منع فریب دیگران	بازرگان خوب، خود را به مضطری نمی‌زند و دیگران را نمی‌فریبد.
		تحمل سختی	به سرما، گرما، گرسنگی و تشنگی عادت کن.
		توصیه‌ها	زرنگ، امین و راستگو باش؛ بسیار خرنده و باز فروشنده باش.
		منع نسبه کاری	به نسبه دادوستد مکن.
		معامله گران ناکارآموده	با نوکیسه، کم‌مایه، دانشمند، کودک، مفتی، قاضی و خادم معامله مکن؛ زیرا کارآموده نیستند.
		معامله در خشکی	سفر خشکی سودمندتر از سفر دریاست؛ زیرا در سفر دریا علاوه بر گرانی و سود کم، مال و جان نیز در خطر است.
		ببین و بخر	نادیده و ناموده مخر.
آگاهی از نرخ	از نرخ کالا آگاه باش، به هنگام گرانی نیمی بفروش تا یک‌سال رایگان خورده باشی و این کدخدایی است.		
خیانت ممنوع	از خیانت پرهیز؛ زیرا اعتماد را از میان می‌برد.		
همراهان سفر	با افراد ناساز، جاهل، احمق، تنبل، بی‌نماز و بی‌باک سفر مکن.		

جدول ۶. مؤلفه‌ها، شاخص‌ها و مصداق‌های بعد پاکیزگی و استراحت در قابوسنامه

ردیف	مؤلفه‌ها	شاخص‌ها	مصداق‌ها از قابوسنامه
۱	آداب گرمابه رفتن	منع گرمابه با شکم سیر	به سیری به گرمابه مرو که زیان دارد.
		منع جماع در گرمابه	در گرمابه به جماع کردن مشغول مباش؛ به خصوص در حمام گرم.
		منع استحمام رفتن زیاد	زیاده‌روی در حمام رفتن زیان دارد؛ یک روز در میان، مفید است.
		تنظیم دمای بدن	نخست، در حمام سرد توقف کن و سپس به گرم‌خانه برو.
		آب نامناسب	آب سخت گرم و آب سخت سرد بر خود مریز.
		خشک کردن موها	بعد از حمام موها را سخت خشک کن.
		منع آب‌خوری در حمام	آب خوردن در حمام زیان دارد.
۲	آداب خفتن و آسودن	خواب بعد از گرمابه	بعد از گرمابه رفتن باید خوابید.
		منع خواب زیاد	بسیار خفتن ناستوده باشد، تن را کاهل و طبع را شوریده می‌کند.
		خواب و تغییر چهره	چند چیز چهره را تغییر می‌دهد: نشاط و غم ناگهانی، خشم، خواب، مستی و پیری.
		زیان کم‌خوابی	نخوابیدن زیان دارد؛ اگر فرد سه روز نخوابد، بیم مرگ دارد.
		میزان خواب	یک سوم شبانه روز را باید خوابید و دو سوم باید بیدار بود.
		خواب روز	خواب روز را از خود دور کن یا کم بخواب.
		توصیه به کم‌خوابی	بیشتر عمر را در بیداری گذران و کم بخواب که بسیار خواهی خفت.
		منع تنها خوابی	تنها نباید خفت.
		سحرخیزی	سحرخیز باید بود و به پگاه خاستن باید عادت کرد، اگر شغل هم نداری، سحرگاه به شکار و تماشا برو.

جدول ۷. مؤلفه‌ها، شاخص‌ها و مصداق‌های بعد دشمنی کردن در قابوسنامه

ردیف	مؤلفه‌ها	شاخص‌ها	مصداق‌ها از قابوسنامه
۱	آیین کارزار	چابکی	در جنگ درنگ و سستی و کوتاهی شرط نیست.
		پیشروی	همیشه به فکر پیشروی باش، نه عقبگرد.
		مرگ با شرافت	سعی کن به مبارزی مشهور شوی تا به نیکویی بمیری.
		منع خونریزی ناحق	به خون ناحق دلیر مباش.
		آرمان خواهی	با اعتقاد باید جنگید.
۲	آداب دشمن‌یابی	منع دشمن تراشی	تلاش کن برای خودت دشمن درست نکنی.
		جسارت و شجاعت	از دشمن ترس و دل‌تنگ مشو.
		دشمن پای	از دشمن غافل مباش و از ستیزه با او میاسای.
		مکراندیشی دشمن	در اندیشه مکر دشمن باش و از حيله‌اش ایمن باش.
		قوی‌نمایی	خود را افتاده از پا نشان مده، اگر چه افتاده باشی.
		احتیاط	از دشمن قوی ترس.
		دشمنی با دشمن	دشمن را خوار م شمار و با دشمن ضعیف نیز دشمنی کن.
		پیشدستی	پیش از آنکه دشمن تدبیر هلاکت تو کند، تو تدبیر هلاکت او کن.
		مناعت طبع	با شکست دشمن، بر او فخر مفروش.
		دوستی با دشمن!	با دشمن دوستی یکدلی مکن، ولی دوستی مجاز بنمای.
		منع شادی بر مرگ دشمن	از مرگ دشمن شاد مباش، مگر آنکه تو او را کشته باشی.
		اندازه در دشمنی و دوستی	در دشمنی و دوستی اندازه نگه دار.
		بردباری در جنگ	با سفیهان و جنگ‌جویان بردباری کن و با گردنکشان گردنکشی کن.
		چرب‌گویی	با دوست و دشمن چرب گو باش که چرب‌گویی جادو است.
		دستگیری از پای افتاده	اگر کسی را به پای اندازی، به دست همی گیر.
		منع دورویی	هرگز دورویی مکن و از مردم دو رو دور باش.
		ترس از سخن چین	از اژدهای دمنده مترس، از مردم سخن چین ترس.
۳	آداب مجازات و عفو	تعادل در مجازات	به هر گناهی مردم را مستوجب عقوبت بدان، به اندازه گناه و خطا مجازات کن؛ حتی مجازات کمتر از گناه باشد.
		رحم به اسیران	بر اسیران رحم باید کرد و اسیرکشی ستوده نیست.
		عذرخواهی مکروه	گناه نکن که مجبور به عذرخواهی شوی.
		حسن گذشت	عفو کردن را بر خود واجب دان.

جدول ۸. مؤلفه‌ها، شاخص‌ها و مصداق‌های بعد سلوک در باری در قابوسنامه

ردیف	مؤلفه‌ها	شاخص‌ها	مصداق‌ها از قابوسنامه
۱	آداب خدمت به دولت‌مردان	دوری از فرمانروا	سعی کن همیشه در حاشیه خدمت کنی و به نزدیکی فرمانروا غرّه مشو و از او دوری کن.
		علاقه به خدمت	از خدمت گریزان مباش که از آن، نزدیکی حاصل شود.
		منع لجبازی با فرمانروا	سخن جز بر مراد فرمانروا مگوی و با او لجبازی نکن.
		توصیه به فروتنی	اگرچه در جوار فرمانروا فربه به نظر می‌رسی، خود را لاغر و فروتن بنمای.
		منع از خیانت	چون در کنار فرمانروا بزرگ شدی، به او خیانت نکن.
		هوشیاری	از کار دوست و دشمن غافل مباش که باید نفع و ضرر تو به دوست و دشمن برسد.
		مدیریت جوان‌ها	گرد فرمانروای پیر مگرد که اگر او را عمری مانده باشد، مردم او را به مرگ نزدیک می‌کنند.
		جدیت در خدمت	در خدمت ولی نعمت خود کوتاهی مکن و همیشه حاضر به خدمت باش.
		توصیه به فروتنی	تا کوچکی نکنی، به بزرگی نمی‌رسی.
		ترس از خشم فرمانروا	از خشم فرمانروا ترسان باش.
۲	آداب ندیمی و همراهی بالادست	هشدار	هر کس دو چیز را خوار دارد، خوار شود: خشم پادشاه و پند حکما.
		توانمندی	اگر ابزار و توان ندیمی را نداری، نپذیر.
		جلب اعتماد	اعتماد بالادست را جلب کن تا به خدمت تو راغب شود.
		شاد کردن بالادست	اسباب شادی و خوشی و تفریح بالادست را در خلوت فراهم کن.
		آگاهی دینی	از قرآن و تفسیر و فقه باید چیزهایی دانست.
		موقعیت‌شناسی	در وقت جدیت جدی و در وقت مناسب، اهل شوخی باش.
		خبرگیری از توطئه‌ها	بالادست را از توطئه‌ها آگاه کن.
		خویشتن‌داری	خویشتن‌دار باش تا به خیانت نیفتی.

ردیف	مؤلفه‌ها	شاخص‌ها	مصادقاتها از قابوسنامه
۳	آداب دبیری	سخندانی و خوشنویسی	به سخن گفتن قادر باش و خط نیکو نویس و به بسیار نوشتن عادت کن.
		منع پیچیده‌نویسی	از پیچیده‌گویی در نامه‌های پارسی بپرهیز و در نامه‌های عربی از سجع استفاده کن.
		مختصرنویسی	مختصرنویس و اهل درک باش.
		استفاده از مطالب	در نامه‌ها از آیه و حدیث و مثل و سیره پیامبر(ص) و اولیای دین استفاده کن.
		آگاهی از رموز دبیری و منع تجسس	رمز و رموز دبیر را بدان و از اهل تجسس نباش.
		منع تزویر	تلاش کن تا به تزویر و دورویی متهم نشوی.
۴	آداب وزارت	ملت‌شناسی	اهل محاسبه و معامله و ملت‌شناس باش.
		منع خودخواهی	خویشتن خواه مباش و با سلسله مراتب راست باش و انصاف داشته باش.
		توصیه به انصاف و عدالت	با رعیت و لشکر منصف باش، از عدل و انصاف غافل مباش.
		آبادگری و دادگری	اهل آبادانی و دادگری باش و مملکت را آبادان دار.
		خوف از خشم فرمانروا	از فرمانروا ترسان باش و به خردی و بزرگی سن او نگاه نکن که بچه مرغابی شنا کردن بلد است.
		همراهی با فرمانروا	همه جا با فرمانروا باش و فرصت مده تا دیگران بدگویی تو کنند.
		خبرگیری مطمئن	باید که نزدیکان فرمانروا جاسوس و خبررسان تو باشند.
		آگاهی از اخبار مملکت	باید از گوشه گوشه کشور خبر داشته باشی.
		طرد گداصفتان	عامل مفلس و گداصفت را شغل مده.
		شان وزارت	وزیران پاسبان مملکت‌اند و سخت زشت بود که پاسبان را پاسبانی دیگر باید.

ردیف	مؤلفه‌ها	شاخص‌ها	مصادق‌ها از قابوسنامه
۵	آداب سپه‌سالاری	احسان به زیردست	با لشکر و رعیت محسن باش و از جانب فرمانروا و خود برای زیرمجموعه نیکویی خواه.
		شکوه و هیبت	باهیبت باش.
		آموزش زیردستان	فرماندهان زیرمجموعه را آداب جنگ آموز.
		خبرگیری از دشمن	در جاسوس فرستادن به سپاه دشمن کوتاهی مکن و به روز مصاف، خندان باش.
		تدبیر مقابله با دشمن	به یکباره همه نیرو را در مقابل دشمن مفرست، علامت علامت و فوج فوج سوار فرست.
		تشویق به موقع	هر کس را که پیشرفتی حاصل کرد، تشویق کن.
		اندازه در بخشش	در بذل و بخشش اندازه نگاه دار.
		تلاش تا پیروزی	در حمله به دشمن تا پای جان بکوش و به پیروزی بیندیش.
		منع زیاده‌روی در تعقیب دشمن	در تعقیب دشمن زیاده‌روی مکن که در بازگشت ممکن است خطاها صورت گیرد.
		دوراندیشی در جنگ	با چشم سر باید به جنگ وارد شد و با چشم دل بیرون آمد.
		بخشندگی به زیردستان	با لشکر سخنی باش که به سر تو سوگند خورند.
		دمخوری با سپاه	در همه حال با لشکر خود در خوراک و نوشیدنی‌ها دمخور باش.
		۶	آداب پادشاهی و فرمانروایی
حفظ حریم مردم	پارسا باش و چشم و دست از حرم مردم دور دار.		
عفت	پاک شلوار باش که پاک شلواری پاک دینی است.		
مشورت با خردمندان	با خردمندان مشورت کن.		
مدارا	در همه حال مدارا کن و بیدادپسند مباش.		
راستگویی و کم‌خندگی	راستگویی، کم‌گوی و کم‌خنده باش و خود را خوار مکن.		
مهربانی با مردم	به مردم رحیم باش و بر بی‌رحمان رحمت مکن.		



ردیف	مؤلفه‌ها	شاخص‌ها	مصادقاتها از قابوسنامه
		سیاست در کارها	با وزیر خود با سیاست باش و خود را محتاج او نمما. بخشش بشنو، ولی در جا اجابت مکن.
		اختیاری	هر کس را وزارت دادی، اختیار نیز به او بده.
		رسم وزارت سپاری	اگر پیری، وزارت به جوان مده که زشت است جوانی مدیر پیر باشد؛ ولی اگر جوانی، وزارت به پیر ده که دو جوان مملکت بسوزانند.
		سختگیری بر دزد و قاتل	بر دزد و قاتل رحم مکن.
		محافظت از زیردستان	بر چاکران خود مهربان باش و آنها را از بد رسیدن نگهبان باش.
		منع چند مسئولیت سپاری	هر کس را بر یک کار بگمار و به یک فرد چند مسئولیت مده.
		پرهیز از بذل و بخشش بی جا	بی خودی به کسی بذل و بخشش مکن که نشان نادانی است.
		اقتدار	پادشاهی که فرمان او روان نباشد، پادشاه نیست.
		اعمال تنبیه	در سیاست و تنبیه نباید کوتاهی کرد تا امور جاری باشد.
		همه نگری	فرمانروا مصلحت مردم و سپاهیان را در نظر دارد؛ آفتاب است نباید بر یکی بتابد و بر دیگری نتابد.
		تنوع قومیتی در سپاه	سپاه از یک جنس مدار تا اسیر لشکر نباشی؛ زیرا یک جنسی آنها را متفق و متحد خواهد کرد.
		لطف بی دریغ	بخشش‌های خود در حق زیردستان را در بوق مکن.
		هشدار از مستی قدرت	سعی کن تا از شراب پادشاهی مست نشوی.
		خصیلت‌های شاهی	این شش خصیلت را فراموش مکن: هیبت، داد، دهش، حفاظ، آهستگی و راستگویی.
		هوشیاری	فرمانروا باید از حال لشکر و رعیت آگاه باشد، نه بی‌خبر.
		بلندنظری	به انجام کارهای بزرگ عادت کن.

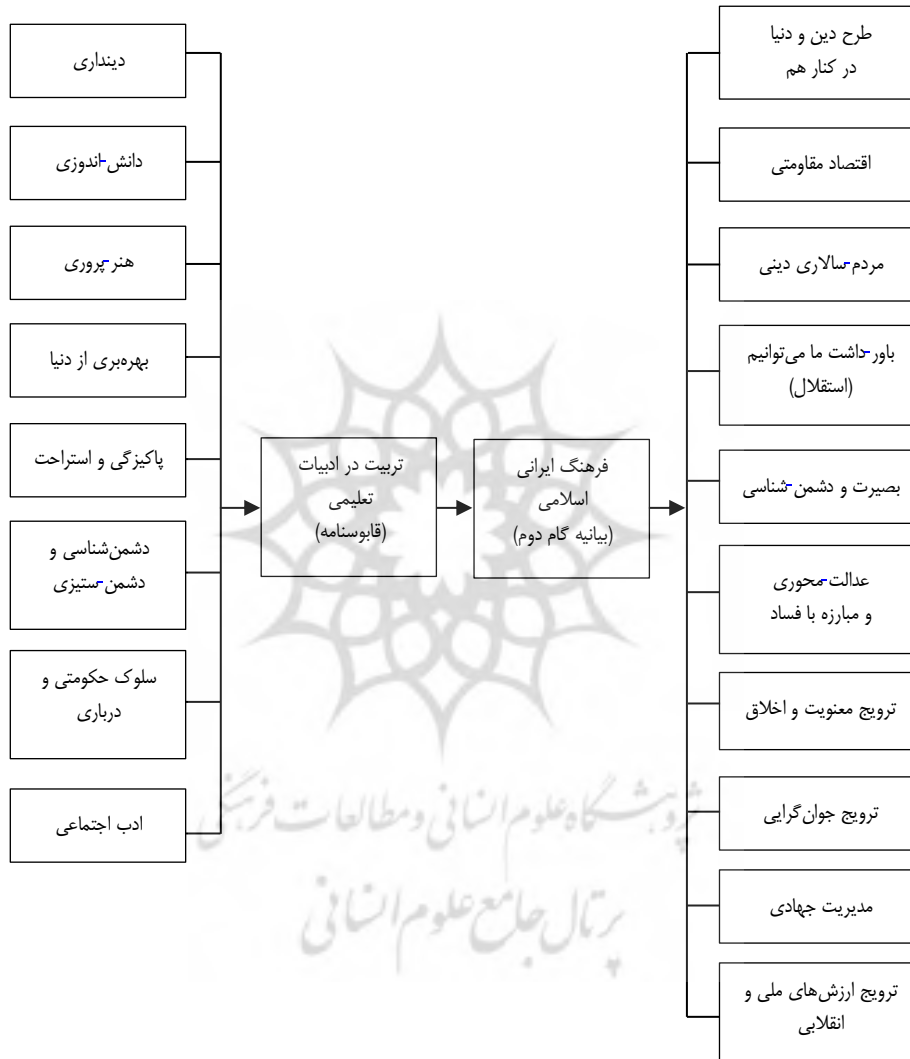
جدول ۹. مؤلفه‌ها، شاخص‌ها و مصداق‌های بعد آداب اجتماعی در قابوسنامه

ردیف	مؤلفه‌ها	شاخص‌ها	مصداق‌ها از قابوسنامه
۱	دوست‌گزینی	دوست‌نیازی	انسان زنده به دوست نیاز دارد زیرا مرد بی برادر بهتر از مرد بی دوست است.
		سازگاری با دوست	با دوست نیکویی و سازگاری کن تا در هر نیک و بدی همراهت باشد.
		دوست‌گزینی	با نیکان و حتی بدان دوستی کن ولی با بی‌خردان دوستی مکن. با نیکان به دل و با بدان به زبان دوستی کن.
		پاسداشت حق دوست	حق دوستان نزدیک خود را پاس دار.
		دادرسی	دوست در وقت تنگدستی و سختی باید به داد دوست برسد.
		میان‌روی	در دوستی میان‌رو باش و بر دوستان امید میند.
		دوستی واقعی	دوستی که دشمن تو را دشمن ندارد دوست نیست، آشنا است.
		دوست‌آزمایی	دوست را در فراخی و تنگی بیازمای.
		دوستان مگس صفت	هم‌پاله‌ها دوست نیستند، دوست‌پاله‌اند.
		احتیاط در دوستی	دوست را چیزی میاموز که در دشمنی، همان را علیه تو به کار گیرد.
		همتایی	درویشی، دوست توانگر مطلب.
		دوری از حسود و طمع‌کار	از دوستی با فرد طمع‌کار و حسود دور باش.
۲	راه و رسم دهقانی و هر پیشه‌گانی	وقت‌شناسی	نگذار وقت کشت بگذرد؛ ده روز پیش‌تر، کار بهتر تا یک روز دیرتر.
		تداوم کشت	پس از درو به فکر کشت سال آینده باش.
		مرغوبیت زمین	در زمین مرغوب کشت کن که زمین غیر مرغوب خود را نمی‌پوشاند، چگونه تو را می‌خواهد بپوشاند؟
		خوش‌معاملگی	با لجاجت خریدار را مگریزان تا مردم با تو دادوستد کنند.

ردیف	مؤلفه‌ها	شاخص‌ها	مصادقات‌ها از قابوسنامه
		خرید و فروش	به هنگام فروش فروتن باش تا با لطف و مهربانی از تو چیز خردند، با ترش‌رویی چیزی حاصل نمی‌شود.
		راستگویی بی‌غل و غش	به راستگویی عادت کن، خاصه بر کالای خریده‌شده و از غل و غش بپرهیز.
		بخشش فرودست	بر فرودست ببخشای و زبون گیر مباش.
		رعایت انصاف	از زنان و کودکان در معامله فزونی مجوی و از غریبان بیش مخواه.
		خداترسی	سنگ و ترازو راست دار و متقی باش.
		منع سوگند	سوگند به دروغ مخور.
		منع رباخواری	از رباخواری به دور باش.
		نیک‌دلی	نیک‌دل باش تا نیک‌بین باشی.
		حق‌طلبان	خاصان حق سه ویژگی دارند: خرد، راستی و مردمی.
		آیین و آداب جوانمردی	ویژگی‌های جوانمرد
دلیری، مردانگی، شکیبایی، صادق‌الوعدی، پاک‌عورتی، پاکدلی، سودرسانی و زیان‌خویش را برای سودرسانی به دیگران به جان خریدن، راست‌شنوی، حق‌نمک دانستن، نیکی کردن به زنان، نیکی را به بدی تلافی نکردن، شکیبایی بر بلا، بخشیدن بیچارگان، باز داشتن بدان از بدی و دست کشیدن از اسیران.			
عباری و جوانمردی لازمه چند دسته است: سپاهیان، بازاریان، علمای دین و اهل تصوف. در بعضی صفات عباری پررنگ و در بعضی کم‌رنگ است.			
۳	آیین و آداب جوانمردی	کیستی جوانمردی	عباری و جوانمردی لازمه چند دسته است: سپاهیان، بازاریان، علمای دین و اهل تصوف. در بعضی صفات عباری پررنگ و در بعضی کم‌رنگ است.

در یک جمع بندی از یافته‌ها، همان‌گونه که ملاحظه می‌شود، کل عناوین چهل و چهار باب قابوسنامه در قالب هشت بُعد تدوین شد و برای این ابعاد، چهل و سه مؤلفه به شرح جدول ۱ در نظر گرفته شد. آن‌گاه محتوای جدول ۱، یعنی هریک از ابعاد هشتگانه، در قالب هشت جدول

دیگر به ترتیب، با ذکر ۴۳ مؤلفه، ۳۲۸ شاخص و بیان ۳۳۳ مصداق از مصادیق فراوان موجود در متن کتاب، به شرح جداول ۲ تا ۹ تدوین شد. بدیهی است به یکی، دو مؤلفه مانند آداب برده خریدن که کاملاً منسوخ شده، اشاره نشده است.



شکل ۱. مدل مفهومی تربیت در ادبیات تعلیمی با نگاه به افق آینده فرهنگ ایرانی - اسلامی

همان گونه که در مدل مفهومی بالا ملاحظه می شود، موعظه های گذشتگان که برخاسته از فرهنگ ملی و دینی است، فرامکانی و فرازمانی و همیشه و در همه جا قابل استفاده هستند. با ملاحظه ادبیات تعلیمی موجود در قابوسنامه، نگارنده باب های چهل و چهارگانه این کتاب را در هشت بعد اصلی جای دهی و تدوین کرده و نتیجه به دست آمده را با رهنمودهای مقام معظم رهبری در بیانیه گام دوم مقایسه کرده است (شکل ۱). نظر به اینکه بیانیه مذکور ترسیم کننده دکترین یا مانیفست برنامه های انقلاب اسلامی برای نسل های آینده، به ویژه در عرصه و حوزه فرهنگ است؛ ۹ بعد قابل توجه تربیتی از این بیانیه استخراج و با ۸ بعد مستخرج از قابوسنامه مقایسه شد. مصادیق ابعاد «دینداری» و «بهره بری از دنیا» در قابوسنامه می تواند در تحقق ابعاد «طرح دین و دنیا در کنار هم»، «اقتصاد مقاومتی» و «ترویج معنویات و اخلاق» موجود در بیانیه مؤثر باشد. شاخص ها و مصادیق بعد «دشمن شناسی و دشمن ستیزی» قابوسنامه می تواند برای تحقق بعد «بصیرت و دشمن شناسی» موجود در بیانیه مورد استفاده قرار گیرد. برخی از شاخص ها و مصادیق بعد «سلوک حکومتی و درباری» موجود در قابوسنامه نیز در تحقق ابعاد «ترویج جوان گرایی» و «عدالت محوری و مبارزه با فساد» قابلیت استفاده دارد. بعد «ادب اجتماعی» در قابوسنامه با بعد «ترویج ارزش های ملی و انقلابی» قابل تطبیق است. بعد «پاکیزگی و استراحت» در قابوسنامه با بعد «طرح دین و دنیا در کنار هم» قابل جمع است. شاخص ها و مصادیق بعد «دانش اندوزی» موجود در قابوسنامه برای تحقق ابعاد «باورداشت ما می توانیم (استقلال)»، «اقتصاد مقاومتی» و «مدیریت جهادی» قابل بهره برداری است.

## نتیجه گیری

در مقاله حاضر، سعی شده است بازگشتی دوباره به رویکرد کتاب محوری در بیان محتوای ادبیات تعلیمی موجود در قابوسنامه صورت گیرد و از این رهگذر، گامی هرچند کوچک برای آشنایی نسل امروز با پیشینه فرهنگی پربار بازمانده از نیاکان برداشته شود. بر این اساس، با نگاهی موشکافانه به تربیت می توان گفت: تربیت فرایندی است که موجب شکوفایی استعداد های انسان به سوی کمال مطلق می شود. لذا باید با رفع موانع، زمینه از قوه به فعل درآمدن نیروهای نهفته در ذات او را فراهم کرد تا آراسته به کمال الهی شود. از سوی دیگر، تربیت و تعلیم لازم و ملزوم

یکدیگرند و رابطه‌ای دو سویه با هم دارند. نظام کنونی تعلیم و تربیت بیشتر کمیت گراست و نسبت به تربیت کیفی، درونی و عمیق کم توجه است. این تحقیق به دنبال بررسی پیشینه ادبیات تعلیمی و مبتنی بر تربیت درونی است تا ضرورت توجه به چنین تعلیم و تربیتی را بازگو کند.

از نوشته استاد صفا برمی آید که عنصرالمعالی کیکاووس، نویسنده قابوسنامه، زندگی پرفراز و نشیبی داشته است. وی ناب‌ترین پندها و نصیحت‌ها را در اواخر عمر به پسرش توصیه کرده است. کیکاووس در پایان باب سی‌ام، خود را دانای علم اولین و آخرین برمی‌شمارد و به پسرش می‌گوید: «تو را پیام‌وختمی و معلوم تو گردانیدمی، تا مگر به وقت مرگ، بی‌غم تو ازین جهان بیرون شدمی.» او با این درجه از فضل و ادب در تواضعی قلمی چنین ادامه می‌دهد: «اگرچه من خود در دانش پیاده‌ام و اگر نیز چیزی دانم گفتار من چه فایده کند، که تو از من همچنان شنوی که من از پدر خویش شنیدم. پس تو را جای ملامت نیست که من خود، داد از خویشان بدهم تا به داور حاجت نباشد؛ اما اگر تو شنوی و اگر نه، در هر پیشه سخنی چند بگویم تا در سخن بخیلی نکرده باشم، که آنچه طبع مرا دست داد، بگفتم» (عنصرالمعالی، ۱۳۴۷: ۱۱۱). ایشان در پایان کتاب نیز خطاب به پسرش گیلان‌شاه می‌نویسد: «اکنون ای پسر، بدان که هرچه عادت من بود جمله را کتابی کردم از بهر تو و از هر علمی و هنری و پیشه‌ای که من دانستم فصلی یاد کردم در چهل و چهار باب این کتاب، و بدان ای پسر که از خردی تا به پیری، عادت من این بود و چنین بودم و شست و سه سال عمر بدین سیرت و بدین سان به پایان بردم... و از این پس، اگر حق تعالی عمر دهد هم برین باشم تا زنده باشم، و آنچه بر خویشان پسندیدم، بر تو همان پسندیدم.» به راستی که این نویسنده اندیشمند و اهل عمل، پنددهی و دلسوزی را کمال بخشیده است و به پسر یادآور می‌شود: «این پندها و عادت‌های من به گوش دل بشنو و کار بند و اگر نشنوی و نپذیری، بر تو ستم نیست؛ آن کس که او را خدای نیک‌بخت آفریده باشد، بخواند و بداند که جمله علامت نیک‌بختان است در دو جهان» (عنصرالمعالی، ۱۳۴۷: ۱۹۳-۱۹۲). با توجه به چنین صداقتی است که شادروان سعید نفیسی این کتاب را به عنوان کتاب درسی دهه ۱۳۲۰ فرزندان ایرانی معرفی می‌کند و می‌نویسد: «این کتاب در میان کتاب‌هایی که به نشر پارسی برای جوانان ایرانی نوشته شده، از همه سودمندتر است. کسانی که در این راه سرمایه‌ای از کوشش و بینش دارند، همه گواهی می‌دهند که برای دبستان‌های کشور ما کتابی بهره‌بخش‌تر از این، به زبان ما نیست.» ایشان

در ادامه، اشاره می‌کند که این کتاب نه تنها برای دانش‌آموزان که در مراحل دیگر زندگی نیز سودمند است. به تعبیر وی، «بسا دردهای درون را بهبود می‌آورد. آنچه پدران ما به نثر پارسی پیش از این کتاب نوشته‌اند، بیشتر به تاراج حوادث رفته و ورق‌های آن را باد خیزان در سالیان دراز پراکنده کرده و جز نامی از آن نمانده و آنچه به دست است، به دلایل بسیار به این کتاب برابری نتواند کرد» (عنصرالمعالی، ۱۳۴۷ ب: ۱۹۳-۱۹۲). خوشبختانه این پیشنهاد مؤثر واقع می‌شود و *قابوسنامه* سال‌ها کتاب درسی دانش‌آموزان ایرانی بوده است. استادان بزرگ دوران معاصر با تأسی به چنین متون درسی فاخری تربیت شده‌اند. قابل توجه آنکه کمی‌نگری مسائل آموزشی و تربیتی موجب شده است که دانش‌آموز امروز با پیشینه پرمغز فرهنگی گذشته‌اش بیگانه شود؛ زیرا به جای پرورش محتوایی دانش‌آموزان، به حداقل‌ها اکتفا شده است و بچه‌ها با نمره‌محوری مدارج تحصیلی را طی می‌کنند.

اگر بخواهیم که نسل امروز و فردا، به‌ویژه نسل‌های متعلق به دوران انقلاب اسلامی را قوی و مبتنی بر داشته‌های فرهنگ دینی و ملی خود تربیت کنیم، آگاهی از ادبیات تعلیمی گذشتگان امثال *قابوسنامه* از اوجب واجبات است. به خصوص آنکه این کتاب متعلق به مقطع سنی یا قشر خاصی نیست و هر کس از هر طیفی به فراخور نیاز می‌تواند از آموزه‌های آن بهره‌مند شود. درضمن، همان‌گونه که در تشریح مدل مفهومی بیان شد، ابعاد، مؤلفه‌ها یا شاخص‌ها و مصادیق استخراج شده از *قابوسنامه*، برای تحقق منویات فرهنگی مقام معظم رهبری در بیانیه گام دوم قابل استفاده و بهره‌برداری است.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی

## فهرست منابع

۱. ابن عربی، محیی‌الدین محمدبن علی (۱۳۹۳). فتوحات مکیه. ترجمه محمد خواجه‌جوی. ج ۲. ۱۷ ج. ج ۱۷. تهران: مولی.
۲. اخوان، محمدجواد و همکاران (۱۳۹۸). انقلاب در گام دوم. شرح و تبیین بیانیه رهبر معظم انقلاب اسلامی به مناسبت چهل سالگی انقلاب کبیر اسلامی. تهران: دیدمان و اندیشکده برهان.
۳. تفضلی، احمد (۱۳۸۰). مینوی خرد (ترجمه)؛ به کوشش ژاله آموزگار. ویرایش سوم. تهران: توس.
۴. جاماسب آسانا (۱۳۷۰). متون پهلوی (ترجمه و آوانوشت). ترجمه سعید عریان. تهران: کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران.
۵. دلشاد تهرانی، مصطفی (۱۳۸۷). سیری در تربیت اسلامی. تهران: دریا.
۶. دهخدا، علی‌اکبر (۱۳۷۳). لغت‌نامه، چاپ اول از سری جدید. ج ۴. تهران: دانشگاه تهران.
۷. راغب اصفهانی، حسین‌بن محمد (۱۳۷۶). کرانه سعادت، بحثی مبسوط در ارکان اخلاق اسلامی. ترجمه و تحقیق سیدمهدی شمس‌الدین. قم: نبوی.
۸. راغب اصفهانی، حسین‌بن محمد (۱۴۱۲ق). معجم مفردات الفاظ القرآن. بیروت: دارالعلم.
۹. رضازاده شفق، صادق (۱۳۲۱). تاریخ ادبیات ایران. تهران: چاپخانه دانش.
۱۰. سیدنژاد، سیدرضی (۱۳۹۶). مبانی تربیتی ائمه اطهار علیهما السلام. قم: زمزم هدایت.
۱۱. سعدی، مصلح‌بن عبدالله (۱۳۹۲). گلستان و بوستان سعدی، به کوشش سید نورالله یزدپرست. ج ۷. تهران: دانش.
۱۲. صفاء ذبیح‌الله (۱۳۷۱). تاریخ ادبیات در ایران، ج اول. ج ۱۲؛ جلد دوم. چاپ ۱۱. تهران: فردوس.
۱۳. عاملی، حرّ (۱۳۷۲). آداب معاشرت از دیدگاه معصومین علیهما السلام (آداب العشره). ترجمه محمدعلی فارابی و یعسوب عباسی علی‌اکبر. ج ۲. مشهد: بنیاد پژوهش‌های اسلام آستان قدس رضوی.



۱۴. عنصرالمعالی، کیکاوس بن اسکندر. (۱۳۴۷)، قابوس نامه، به کوشش سعید نفیسی، تهران فروغی.
۱۵. فلوطین (۱۳۸۹). مجموعه آثار فلوطین. ترجمه محمدحسن لطفی. ج ۲. ج ۱. تهران: خوارزمی.
۱۶. گوته، جرال. الی (۱۳۹۸). مکاتب فلسفی و آرای تربیتی. ترجمه محمدجواد پاک سرشت. تهران: سمت.
۱۷. لیوتار، ژان فرانسوا (۱۳۸۰). وضعیت پست مدرن: گزارشی درباره دانش. ترجمه حسینعلی نوذری. تهران: گام نو.
۱۸. مصباح یزدی، محمدتقی (۱۳۹۱). فلسفه تعلیم و تربیت اسلامی. تهران: مدرسه.
۱۹. مطهری، مرتضی (۱۳۵۸). آشنایی با علوم اسلامی. ج ۴. ج ۲ (کلام و عرفان) و ۳ (اصول فقه و فقه). تهران: صدرا.
۲۰. - معین، محمد (۱۳۶۴). فرهنگ فارسی، ج ۷. ج ۶. ج ۱. تهران: امیرکبیر.
۲۱. - مقصود، جواد (۱۳۷۶). شرح احوال و آثار دویبتی های باباطاهر عریان. ج ۳. تهران: انجمن آثار و مفاخر فرهنگی.
۲۲. میرزای ناظر، ابراهیم (۱۳۷۳). ترجمه اندرز اوشنر دانا (متن پهلوی، آوانویسی و واژه نامه). تهران: هیرمند.
۲۳. میلر، جان. پی. (۱۳۸۰). آموزش و پرورش و روح. ترجمه نادرقلی قورچیان. تهران: نشر فراشناختی اندیشه.
24. Best, R. (2008). In Defence of the concept of spiritual Education: a Reply to Roger Marpel, *International Journal of children's spirituality* 13(4), 321-329.
25. Bigger, s. (2008). secular spiritual Education, *e-Journal of the British Education studies Association*, 1(1), 60-70.
26. Edwards, Moronon. (1997). Beauty and Aesthetic, *the Journal Philosophy*. Vol. 59, No 21, 617-628.
27. Hand, Michael. (2003). The Meaning of Spiritual Education, *Oxford Review of Education*: Vol. 29, No 30.
28. Gerson. Llyod, p. (2012). Plotinus on Happiness, *Journal of Acient philosophy*. Vol vi2012 Issue 1.